

سعیده لطفیان*

کشمکش‌های آینده در خاورمیانه: جستجوی علل و اقدامات پیشگیرانه

مقاله حاضر با در نظر داشتن بررسی درگیری‌ها و جنگ‌های آینده در منطقه استراتژیک خاورمیانه دو پرسش عمده را مطرح می‌سازد. ۱- علل عمده اقتصادی و سیاسی جنگ‌های جدید در سال‌های آینده در این منطقه چه خواهند بود؟ و ۲- چه اقدامات عملی باید برای کاهش احتمال وقوع جنگ و درگیری مسلحانه در بین کشورهای خاورمیانه در نظر گرفته شوند. یکی از جدیدترین نگرانی‌های امنیتی در منطقه این است که شمار بیشتری از کشورها به تسلیحات کشتار جمعی دست یابند. احتمال تروریسم بیولوژیکی که غیرنظامیان را نیز در معرض تهدید بزرگی قرار خواهد داد، باعث شده تا کشورها در تدابیر امنیتی خود برای رفع نگرانی‌ها و مقابله با تهدیدهای واقعی به مسئله گسترش سلاح‌های بیولوژیکی با جدیت بیندیشند. با افزایش امکان گسترش روز افزون موشک‌های بالیستیکی و کسب توانایی‌های هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی نگرانی‌های امنیتی جدیدی پدیدار شده‌اند. برنامه سرّی تولید جنگ افزارهای کشتار جمعی تنها می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر منجر شود. همان‌طور که کاربرد تسلیحات شیمیایی از سوی عراق در جنگ هشت ساله‌اش با ایران نشان داد، برخی از دولتهای منطقه نه تنها توانایی‌های تسلیحات کشتار جمعی را برای اهداف دفاعی (از جمله بازدارندگی تهاجم دشمن قدرتمندتر از خود) می‌خواهند، بلکه ممکن است از آنها در صحنه‌های نبرد علیه نظامیان، و یا حتی غیرنظامیان رقیب خود استفاده کنند. بیوتروریسم و تروریسم هسته‌ای هم‌اکنون تهدیدهای جدی واقعی علیه مراکز جمعیتی هستند و صرفاً مشکلات امنیتی آینده در خاورمیانه نخواهند بود.

* دکتر سعیده لطفیان استاد یار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌باشد.
فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۳ (پاییز، ۱۳۷۹)، صص ۱۹۴-۱۵۵.

یک فرض مهم در این پژوهش این است که «هیچ جنگی تصادفی و غیرعمدی نیست، آنچه غالباً غیرعمدی است طول مدت و میزان خشونت بار بودن جنگ است. شکست نیز غیرعمدی است.^۱» بر این اساس باید تأکید کرد که مردم خاورمیانه محکوم به قبول رویدادها نیستند و با درک اشتباههای گذشته خود و دیگران قادر خواهند بود تا آینده روشنی برای خود و نسلهای بعدی ترسیم کنند. برای پاسخگویی به دو پرسش پژوهشی بالا، در بخش اول به فرضیه‌های آزمون شده در مطالعات جنگ توجه می‌شود و در بخش دوم علل مهم جنگهای خاورمیانه در سالهای آتی مطرح می‌شوند. بخش پایانی به بررسی اقدامات عملی برای کاهش احتمال بروز جنگ در این منطقه حساس اختصاص خواهد داشت.

مطالعات جنگ

طی سالها تبیین علل پدیده جنگ^۲ یکی از مهمترین موضوعات پژوهشی در علوم سیاسی بوده است. با وجود رهیافتهای فراوان برای مطالعه بروز جنگها، بسیاری از پرسشهای مهم درباره علل و پیامدهای این پدیده مهلک و زیانبار در جامعه بشری بدون پاسخ باقی مانده اند. ناتوانی برای یافتن پاسخهای همه‌پسند به دلیل فقدان تلاشهای خستگی ناپذیر برای شناخت بهتر رابطه بین انسان، جامعه و درگیری‌ها نبوده است. پژوهشگران بی‌شماری توانسته‌اند در چارچوب مطالعات روانشناسی، فرهنگی، جامعه‌شناسی، اجتماعی-اقتصادی، فلسفی، تاریخی، تجربی و غیره انسانها را به سوی درک جنگ هدایت کنند.^۳

نخستین نکته مهم در پژوهشهای مربوط به علل جنگ بحث بر سر تعیین مناسبترین سطح یا واحد تجربه و تحلیل^۴ است. به غیر از سطوح خرد تا کلان متداول در مطالعات علمی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (شامل سطوح فردی-ملی، دومتی^۵، منطقه‌ای، بین‌المللی، سیستمی)^۶ سطوح میانه دیگری نیز مانند امپریالیسم^۷ در مطالعات جنگ به کار رفته‌اند. درمورد جنگهای استعماری استفاده از این سطح تحلیل معقولانه‌تر است، زیرا حداقل یکی از

طرفین درگیری‌ها کشور-ملت مستقلی نیست. از ۹۳ جنگ بین‌المللی در دوره زمانی ۱۸۱۶ تا ۱۹۶۵، ۴۳ جنگ «فراسیستمی»^۸ بودند که در آنها کاربرد سطح تحلیل کشور-ملت چندان مناسب نمی‌باشد.^۹

عوامل بسیاری به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر شروع جنگ، پایان جنگ، شدت جنگ، گستره و طول مدت جنگ معرفی شده‌اند. در پژوهشی کم‌نظیر در مورد پدیده جنگ، جفری بلینی با دیدی انتقادی نقاط ضعف تبیین‌های علل جنگ (وصلح) را با ذکر نمونه‌های تاریخی بیان می‌کند.^{۱۰} در بین عوامل علی و سببی شناخته شده جنگ، وی به رواج یک زبان بین‌المللی، وجود یک مذهب مشترک، همگونی فرهنگی، سیکل جنگ و صلح توین بی^{۱۱} رابطه بین شرایط اقتصادی و جنگ، نقش سیاستمداران مقتدر، اثرات تغییر فصل و دمای هوا، جنگ طلبی ملل و افراد اشاره می‌کند.

مهم‌ترین و رایج‌ترین فرضیه‌های جنگ به طور اختصار با توجه به رویداد جنگ‌های خاورمیانه را می‌توان این گونه مطرح کرد (به جداول یک و دو بنگرید). در مورد عامل «تغییر فصل»، شاید واقعیت داشته باشد که بهار و تابستان برای شرکت در جنگ فصول مطلوب‌تری بودند زیرا روزها طولانی بوده و پیشروی نظامیان سریع‌تر و سهل‌تر انجام می‌شد. لیکن، جنگ‌ها در زمستان نیز روی داده، و حتی در هوای نامساعد نیز نبردها ادامه پیدا کرده‌اند. در برخی موارد، هوای نامساعد پیشروی نیروهای نظامی را کند کرده، و حرکت سربازان و تانک‌ها را دشوارتر ساخته است. در جنگ ایران و عراق، در ماه‌های بارانی (حدود آذر تا اوایل فروردین) فعالیت‌های جنگی در صحنه عملیاتی گاهی کاهش می‌یافت. در پی جنگ روس و انگلیس ۱۹۰۵-۱۹۰۴ نبردهای شبانه هم متداول شد. به تدریج، عملیات شب‌هنگام با استفاده از فن‌آوری نظامی نوین در تعیین پیامدهای جنگ‌های آینده نقش برجسته‌ای ایفا خواهند کرد. ساز و برگ‌های نظامی پیشرفته طراحی شده برای جنگیدن در تاریکی شب در حمله به قایق‌ها و کشتی‌های ایرانی در خلیج فارس در دهه ۱۹۸۰، و در حمله به نیروهای عراقی در قلمروی کویت در ۱۹۹۱ توسط نیروهای دریایی و هوایی آمریکایی به بوته آزمایش گذاشته شدند.^{۱۲} حال این پرسش مطرح است که چه عاملی باعث می‌شود که

کشوری بدون ضرورت برای حفظ بقای خود جنگی را آغاز کند یا در جنگی مشارکت کند؟ با وجود این امر که در پژوهشهای جنگ روشها و متغیرهای تبیین کننده گوناگونی به کار رفته، یافتن پاسخ مناسب به این پرسش هنوز کار دشواری است. در این بخش تنها نمونه ای از مهمترین یافته های پژوهشهای گسترده پیشین در زمینه جنگها و علل آنها ارائه می شود. گرچه نگرانی بشریت در مورد پیامدهای ناگوار جنگ قدمت بسیار دارد، اما مطالعه تجربی رویدادهای تاریخی با هدف یافتن علل جنگ و صلح پدیده قرن بیستم است. در اواسط قرن نوزدهم، کوئینسی رایت (۱۹۴۲) و لوئیس اف. ریچاردسون (۱۹۴۱) با استفاده از روش علمی درصد بررسی مکانیسم ویژه ای برآمدند که بر اثر آن درگیریهای بین المللی روی می دهند. بنا به نظریه رایت، در جهان رویدادهای بسیار کمی به وقوع می پیوندند که به نوعی با مشکل جنگ مربوط نباشند.^{۱۳} جای تعجبی ندارد که فرضیه های بی شماری در تلاشهای علمی برای تبیین علل جنگ ارائه شده اند. در زیر، فهرستی از فرضیه هایی که در مطالعات مقایسه ای از بعد مکانی و زمانی مطرح شده، آورده می شود.

«فاصله جغرافیایی احتمال مورد حمله قرار گرفتن از سوی دشمن را کاهش می دهد» نکته مهم در این فرضیه آن است که از لحاظ جغرافیایی حمله به کشورهای جزیره ای در مناطق دور افتاده در اقیانوسهای و دریاها دشوارتر است. با همین فرض، کشوری که دارای مرزهای مشترک با کشورهای متعددی باشد بیشتر احتمال دارد که مورد حمله دشمن قرار گیرد تا کشوری که تنها با یک کشور دیگر هم مرز است. این طبقه بندی ویژگی جغرافیایی کشورها به دلیل عمومی بودن چندان برای بررسی و تحلیل آینده جنگ در خاورمیانه مفید نمی باشد. کشورهای جزیره ای تنها به خاطر داشتن ویژگی جغرافیایی خود از تهاجم خارجی مصون نمانده اند و تمام کشورهای محصور به خشکی نیز همیشه درگیر جنگ های ناخواسته نشده اند. فن آوری نظامی پیشرفته توانسته موانع طبیعی جغرافیایی را از سر راه تجاوز کاران بردارد. گرچه افغانستان و عراق (با نادیده گرفتن قلمروی باریکی برای دسترسی به خلیج فارس) محصور به خشکی هستند، اما هر دو کشور در سالهای اخیر درگیر جنگهای طولانی و پرهزینه بوده اند، هلاستی در مطالعه ای به این نتیجه می رسد که تناوب

جنگهای سرزمینی در مقایسه با سایر انواع جنگها در دوران پس از جنگ جهانی دوم به دلیل مقاومت بین المللی در برابر استفاده از نیروی نظامی به عنوان ابزار سیاسی برای حل و فصل اختلافهای مرزی و قلمرویی کاهش یافته است.^{۱۴}

«ثروت یک کشور باعث افزایش احتمال مداخله اش در جنگهای خارجی می شود.» سطوح بالای توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی، دسترسی به منابع طبیعی غنی و بودجه های دولتی کلان ممکن است موقعیتهای مناسبی برای کشورهایی که در تلاش برای سلطه جویی و نفوذ بر سایر کشورها می باشند، فراهم آورد. مانند فرضیه مساحت جغرافیایی، این فرضیه نیز بیش از اندازه کلی بوده، و به تبیین تمام انواع جنگ کمک نمی کند. همه کشورهایی که در جنگها شرکت داشته اند در زمره کشورهای غنی در منابع نبوده اند. در مطالعه ای ابروین به این نتیجه می رسد که «کشورهای قدرتمندتر... بیشتر گرایش به کاربرد نیروی نظامی دارند، و بنابراین بیشتر احتمال دارد که ثبات جهانی را تهدید کنند.»^{۱۵} در جنگهای قرن بیستم خاورمیانه شاهد بوده ایم که کشورهای غنی تر مانند ایران، عراق، کویت، مصر و اسرائیل بیش از فقیرترین اعضای نظام منطقه ای در جنگها مشارکت مستقیم داشته اند. «مرگ یک حکمران جنگ برسر جانشینی را محتمل تر می سازد.» این نوع جنگها در قرون هیجدهم و نوزدهم، یعنی در دورانی که اتحادها و پیمانهای بین کشورها بیشتر به پیوندهای فامیلی و شخصی بین حکام متکی بوده، متداول بودند. دلیل عمده هم آن بود که مرگ یک حاکم اغلب به تضعیف یک اتحاد منجر شده، و جنگهایی برسر جانشینی تاج و تخت روی می داد. لیکن شواهد و مدارک تاریخی فراوانی وجود دارد که تغییر در رژیم همیشه منجر به جنگ نشده است. در خاورمیانه مرگ شاه حسین اردن، ملک حسن مراکش و حافظ اسد سوریه در دو سال اخیر به جنگ برسر جانشینی آنها منتهی نشد.^{۱۶}

یکی از فرضیه های اصلی مشتق شده از نظریه سپر بلا این است که جنگ یک رویداد ملی و غالباً توده پسند است. ما برای جنگها نامهایی برگزیده ایم، اما هرگز برای صلح نام ویژه ای انتخاب نکرده ایم.^{۱۷} زمانی که جنگ خارجی در جریان است، مردم می توانند ناخرسندی ها و مشکلات خود را به یک دشمن خارجی مشترک که عموماً هدف خشم و تنفر

ملی قرار می‌گیرد، نسبت دهند. برخی از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که یکی از کارکردهای جنگ آن است که در زمانی که رژیم از درون مورد تهدید قرار دارد، هدفهایی خارج از مرزهای کشور برای ابراز خشم مردم فراهم آورد. اگرچه وحدت داخلی می‌تواند یکی از پیامدهای مثبت جنگها باشد، اما باید در نظر داشته باشیم که این تاکتیک تنها اختلافهای داخلی را به تعویق می‌اندازد و به حل دایمی مشکلات امنیت داخلی نمی‌انجامد. البته باید بدانیم که جنگ می‌تواند به عنوان راهی برای منحرف کردن توجه مردم از عملکرد ضعیف رژیم در کوتاه مدت مورد استفاده قرار گیرد. یکی از دلایل تهاجم عراق به کویت تلاش رژیم بعثی برای ایجاد موقعیتی مناسب جهت انحراف توجه مردم عراق به جنگی دیگر بود تا آنان مشکلات داخلی ناشی از جنگ پرهزینه هشت ساله با ایران را به طور موقت به فراموشی بسپارند.

بسیاری از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که ایدئولوژی رژیم حاکم بر وقوع جنگها چندان تأثیری ندارد، بلکه فرضیه‌های غالب در این زمینه به تأثیرپذیری جنگها از سایر عوامل دخیل در شکل‌گیری نوع رژیم اشاره می‌کند. این فرضیه‌های آزمون شده در مطالعات جنگ در زمینه رابطه (نوع رژیم ← جنگ) شامل سه حالت زیر می‌شوند:

الف- هرچه رژیم افراطی‌تر باشد، در رفتار جنگ افروزی^{۱۸} بیشتر مشاهده می‌شود.
ب- در مقایسه با رژیمهای غیرنظامی، رژیمهای نظامی بیشتر احتمال دارد که در جنگها مشارکت کنند.

پ- کشورهای دموکراتیک کمتر از کشورهای اقتدارگرا خوی جنگ طلبی دارند.^{۱۹}
در کل، با بررسی پژوهشهای تجربی/کمی علل جنگ به یافته‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

■ نظریه‌ها و فرضیه‌های متعددی درباره علل جنگ وجود دارند، و هیچ‌یک از آنها در مورد همه جنگهایی که در طول تاریخ روی داده‌اند، صادق نیست. هیچ تبیین عمومی برای پاسخ به این پرسش که چرا پدیده جنگ اتفاق می‌افتد، وجود ندارد.

■ جنگ به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی از

سوی دولتها به کار گرفته شده است. با توجه به این امر، سیاستهای مبتنی بر منافع ملی بازیگران دولتی بیش از فعالیتهای بازیگران غیر دولتی (که در واقع بر اثر سیاستهای منفی یا مثبت دولتها پدید می آیند) باعث بروز جنگ و درگیری بوده است. یادآوری این مطلب ضروری است که در برخی مواقع یک کشور ضرورتاً برای حفظ امنیت ملی خود گرفتار جنگ نمی شود. به طور مثال، ورود امریکا به شش جنگ (جنگ ۱۸۱۲، جنگ مکزیک، جنگ امریکا- اسپانیا، جنگ جهانی اول و دوم، و جنگ کره) برای امنیت و بقای امریکا حیاتی نبود.^{۲۰}

■ در پژوهشهای بین- کشوری پیشین در مورد علل جنگ، نقاط ضعف جدی در طرح پژوهش و نبود داده های کامل دیده می شوند، و بنابراین یافته های موجود عمومیت ندارند. با وجود یافته های ضدو نقیض در این تحلیلها، پژوهشگران جنگ و صلح امید دارند که با مطرح کردن پرسشهای مهم و بررسی رابطه بین جنگ (به عنوان متغیر وابسته) و متغیرهای توضیح دهنده (مستقل) سرانجام بتوانند جنگ را تبیین کرده، و راهکارهای مناسب را برای حذف این پدیده نامطلوب ارائه کنند.

■ اگر چه فرضیه های بسیاری در مورد علل جنگ پیشنهاد شده اند، اما هنوز موفق نشده ایم که عامل یا مجموعه ای از عوامل سبب ساز جنگ را شناسایی کنیم. آن چه آشکار است، این واقعیت انکارناپذیر است که جنگ علت واحدی ندارد، و پدیده ای سیاسی- اجتماعی است که بر اثر عوامل متعددی در سطوح مختلف روی می دهد. تا زمانی که علل جنگها به روشنی شناسایی نشده اند، امید می رود که تصمیم گیران متقاعد شوند که جنگ ضرورتاً آنان را به اهداف از پیش تعیین شده آنها نخواهد رساند،^{۲۱} و برای آنها توسل به اعمال خشونت آمیز به منظور تحقق اهداف بلند مدتشان بی ثمر خواهد بود. پیش از آغاز جنگ که به از دست رفتن جان و مال نظامیان و غیر نظامیان بی گناه منجر می شود، جنگ غالباً ابزار مؤثر سیاست خارجی به نظر می آید. در اکثر موارد، هزینه جنگها از منافع آنها فزونی تر می باشد.

درک ارزش صلح به توانایی «کنترل» جنگ منتهی خواهد شد. در واقع، افرادی که در فرآیند آمادگی برای جنگ، و یا در نبردهای جنگ گرفتار شده اند بیش از سایرین برای صلح

احترام قائلند. با توجه به یافته‌های مطالعات جنگ، در بخش بعدی به بررسی علل جنگهای آینده خاورمیانه می‌پردازیم.

علل اصلی و ویژگی جنگهای آینده خاورمیانه

گسترش سلاحهای کشتار جمعی (اتمی، بیولوژیکی، میکروبی، شیمیایی) و موشکهای بالیستیکی نگرانی‌های امنیتی جدیدی را در خاورمیانه پدید آورده است. برنامه پنهان تولید سلاحهای کشتار جمعی تنها می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر در محیط امنیتی منطقه‌ای بیانجامد. همان‌طور که پیشتر مطرح شد، تروریسم بیولوژیکی و هسته‌ای مشکلات امنیتی در آینده دور نبوده، و بزودی تبدیل به بزرگ‌ترین تهدید برای مراکز جمعیت در منطقه خواهند شد. در خاورمیانه ما شاهد کاربرد سلاحهای شیمیایی علیه غیرنظامیان کرد حلبچه توسط نیروهای عراقی بودیم. دو جنگ بزرگ خلیج فارس نشان داد که به سیستم‌های دفاعی در برابر موشکهای دارای برد بلندتر و مجهز به سلاحهای کشتار جمعی نیاز مبرم وجود دارد. به طرزی مشابه، رشد تهدیدهای غیرمتعارف (مانند فعالیتهای گروههای تروریستی، قاچاقچیان مواد مخدر و سندیکاهاى جرایم سازمان یافته) به بی‌ثباتی روزافزون خاورمیانه کمک کرده است.

در بین علل جنگهای آینده در خاورمیانه به دو مسئله اختلاف بر سر منابع آبی و جریان پناهندگان و مهاجرت غیرقانونی کارگران خارجی به تازگی بیش از پیش اشاره می‌شود. در بین علل سبب ساز ناآرامیهای سطح زیر ملی و جنگ داخلی، به رشد فقر در بسیاری از کشورهای منطقه، افزایش شکاف بین غنی و فقیر در این جوامع، و مقاومت مداوم اکثر دولتهای منطقه‌ای در برابر خواسته‌های مردمی برای توجه به فرآیند مردم سالاری تاکید می‌شود. مشکلات ناشی از ناامنی داخلی تنها می‌تواند اثری منفی بر محیط امنیت منطقه‌ای داشته باشد. نکته مهم آن است که مردم خاورمیانه محکوم به پذیرش رویدادها نیستند. براساس مطالعاتی درباره جنگهای گذشته می‌توانیم به علل جنگها و درگیریهای آینده پی ببریم. دولتهای خاورمیانه باید با هماهنگ سازی سیاست خارجی خود

با هدف جلوگیری از جنگها و اختلافهای مسلحانه بین - کشوری تلاشی جدی را آغاز کند.

انباشته تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه و تهدید کاربرد آنها در جنگهای آینده

با وجود گذشت ۲۸ سال از تصویب کنوانسیون سلاحهای بیولوژیکی رسمی^{۲۲} سال ۱۹۷۲ برای نابودی این سلاحهای کشتار جمعی موجود در جهان و توقف تولید آنها در آینده، تهدید این گونه جنگ افزارها روز به روز جدی تر شده و بسیاری از دولتها در معرض تروریسم بیولوژیکی قرار گرفته اند.^{۲۳}

مردم خاورمیانه نیز با خطر جدی گسترش تسلیحات بیولوژیکی و کاربرد آن در جنگ و در حملات تروریستی روبرو هستند. در جدول ۳، کشورهای منطقه ای که دارای برنامه پژوهش یا تولید سلاحهای اتمی، بیولوژیکی و شیمیایی بوده، و کشورهای فرامنطقه ای که این تسلیحات را به خاورمیانه انتقال داده اند، شناسایی شده اند. یادآوری می شود که بیشتر این اطلاعات از منابع غربی گرفته شده، و حتی به گفته گردآوران آن باید با احتیاط مورد استفاده قرار گیرند زیرا به درستی آنها اعتماد صد در صد وجود ندارد. در منابع غربی توانایی کشتار جمعی اسرائیل غالباً کمتر از واقعیت جلوه داده شده، و در مورد توانایی عراق، ایران، لیبی، سوریه و سودان اغراق شده است. این مسئله نشان دهنده نبرد تبلیغاتی گسترده اسرائیلی ها برای اعمال فشار بین المللی بر سایر کشورهای منطقه با هدف توقف برنامه های تولید تسلیحات آنان است.

در اینجا لازم است توضیح مختصر ارائه شده در مورد منابع از سوی پژوهشگران مرکز مطالعاتی مونتری که جدول ۳ را تنظیم کرده اند، و شبهات موجود درباره برنامه تسلیحاتی یازده کشور خاورمیانه ای مطرح شوند. در گزارشی کارشناسی به کنگره امریکا ادعا شد که در سالهای ۹۲-۱۹۹۱ تقریباً ۲۷/۵ پوند اورانیوم غنی شده که از سوی فرانسه برای استفاده در راکتور پژوهشی ساخت فرانسه موسوم به اوزیراک به عراق فرستاده شده بود. از راه سودان برای ذخیره در راکتور الجزایر در عین - اوسرا^{۲۴} به الجزایر فرستاده شد. این گزارش براساس منابع اطلاعاتی اسرائیلی و اروپایی تهیه شده، و در آن ادعا می شد که این مواد اتمی در الجزایر

باقی مانده است.^{۲۵} چند روز پس از انتشار این گزارش، سخنگوی کاخ سفید بیان داشت که ایالات متحده «به هیچ مدرک معتبری، برای تایید این ادعاها دسترسی ندارد. منابع اطلاعاتی اروپایی نیز اظهار داشتند که هیچ مدرکی برای تایید اتهامات که از سوی دولت الجزایر به شدت تکذیب شد، وجود ندارد.^{۲۶} مرکز پژوهشی عین اوسرا زیر نظارت پادمان آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داشته، و ۲۷/۵ پوند اورانیوم غنی شده یاد شده در این گزارش کارشناسی کنگره در تاریخ نوامبر ۱۹۹۱ توسط این آژانس با کمک آنسکام از عراق به خارج منتقل شده بود. براساس قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت سازمان ملل، عراق مستلزم است تا تمام مواد قابل کاربرد در تسلیحات هسته ای خود را زیر نظارت اعضای آژانس قرار دهد. ۱۲/۶ کیلوگرم سوخت ۹۳ درصد بسیار غنی شده ذخیره شده در آل توتیه^{۲۷} بین ۱۵ و ۱۷ نوامبر ۱۹۹۱ از راه هوا از عراق برای تغییر ایزوتوپ و تبدیل آن به سوخت ۲۰ درصد غنی شده به روسیه فرستاده شد.^{۲۸}

در مورد تسلیحات بیولوژیکی الجزایر ادعا می شود که این کشور در مراحل اولیه پژوهش روی این گونه جنگ افزارها بوده است؛ در عین حال هیچ مدرکی وجود ندارد که الجزایر در عرب خاورمیانه ای به توانایی تولید این تسلیحات رسیده باشد. لیکن الجزایر از جمله کشورهای منطقه ای است که در مرحله توسعه سلاحهای شیمیایی بوده، ولی آنها را در اختیار ارتش خود قرار نداده است.

در مورد برنامه هسته ای مصر هیچ مدرک و ادعایی در منابع در دسترس عموم وجود ندارد.^{۲۹} بر طبق سالنامه ۱۹۹۶ آژانس خلع سلاح و کنترل تسلیحات (اکدا) که هم اکنون بخشی از وزارت امور خارجه امریکا شده، مصر در سال ۱۹۷۲ اقدام به پژوهش و توسعه مواد بیولوژیکی با کاربرد نظامی کرد، و مدرکی نیز وجود ندارد که ثابت کند این برنامه متوقف شده باشد.^{۳۰} مصری ها دارای مقادیری سلاحهای شیمیایی هستند که در زرادخانه هایشان ذخیره شده، و در سالهای ۶۷-۱۹۶۳ از این سلاحها در جنگ علیه نیروهای یمنی استفاده کرده اند.^{۳۱}

در مورد جمهوری اسلامی ایران گزارشهای ضد و نقیض بی شماری وجود دارد. با وجود

تکذیب ادعاهای منابع مختلف درباره اقدام ایران به توسعه و تولید سلاحهای کشتار جمعی هر روز بر تعداد این گزارشها افزوده می شود. جالب آن است که منبع اصلی این ادعاها روزنامه های اسرائیلی هستند. به طور مثال، حدود دو سال پیش برای چندمین بار ادعای خود را تکرار کردند که ایران در سال ۱۹۹۲ دو تا چهار سلاح هسته ای از قزاقستان خریداری کرده است، اما حتی وزارت دفاع و امور خارجه امریکا بیان داشته اند که هیچ مدرکی برای تایید این اتهام وجود ندارد.^{۳۳} منابع غربی به این مطلب هم اشاره کرده اند که ایران دارای تسلیحات شیمیایی بوده، و حتی از آن در جنگ با عراق استفاده کرده است.^{۳۴} حتی اگر نخواست به باشند که بیانیه های رسمی دولت ایران دال بر نادرستی این ادعاها را بپذیرند، این واقعیت را باید بپذیرند که ایران از جمله ۱۲۹ کشوری است که تا پایان سال ۱۹۹۹ کنوانسیون سلاحهای شیمیایی (۱۹۹۳) را که در ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ به اجرا درآمد، تصویب کرده اند.^{۳۵} چهار کشور خاورمیانه (مصر، اسرائیل، لیبی و سوریه) یعنی کشورهای مظنون به در اختیار داشتن زرادخانه های بزرگ سلاحهای شیمیایی به این کنوانسیون نپیوسته بودند،^{۳۶} اما ایران که خود قربانی حملات شیمیایی دشمن در هشت سال نبرد پرتلاش برای شکست نیروهای بعثی بوده، با جدیت تحسین برانگیزی همواره از رژیم کنترل تسلیحات کشتار جمعی پشتیبانی نموده است. در زمان جنگ، ایران و عراق هردو امضاء کننده پروتکل ژنو بودند که کاربرد تسلیحات شیمیایی و میکروبی را ممنوع می سازد. این سند مهم مورد حمایت اکثر ملتهایی قرار گرفت که تمایل به جلوگیری از تکرار تجربه تلخ حملات شیمیایی جنگ جهانی اول را داشتند که ۱,۳۰۰,۰۰۰ کشته و مجروح شیمیایی شده بر جای گذارد. در همان اوایل جنگ، رادیو تهران گزارشی در مورد بمباران شیمیایی عراق در سوسنگرد پخش کرد. سه سال و نیم بعد زمانی که دنیا با جدیت بیشتری به این اتهامات گوش فرا می داد، وزیر امور خارجه ایران در کنفرانس خلع سلاح ژنو بیان داشت که حداقل ۴۹ مورد حمله شیمیایی عراقی در بیش از ۴۰ منطقه مرزی روی داده، و ۱۰۹ کشته و صدها مجروح به جای گذاشته است. یکی از موارد بزرگ جنگ شیمیایی عراق در هور الهویزه در ۱۳ مارس ۱۹۸۴ از سوی هیات بین المللی کارشناسی سازمان ملل تایید شد.^{۳۷}

در بهمن سال گذشته هنگام دیدار حوزه بوستانی^{۳۸} مدیر کل سازمان منع سلاحهای شیمیایی که در پی به اجرا درآمدن کنوانسیون منع سلاحهای شیمیایی مسئولیت بازرسی در محل از مراکز شیمیایی کشورهای عضو را بر عهده دارد، دولت ایران پیشنهاد کرد تا مرکزی بین المللی برای معالجه مجروحان جنگهای شیمیایی، و برای آموزش کادر پزشکی برای درمان چنین آسیبهایی ایجاد شود.^{۳۹} در مورد نیروگاه بوشهر و همکاری اتمی ایران با روسیه نیز گزارشهای بسیاری وجود دارد، و مقامات امریکایی غالباً به تهدید ایران برای توجیه برنامه دفاع موشکی ملی خود اشاره می کنند.^{۴۰}

در بررسی مسئله گسترش تسلیحات اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی، با توجه به این امر که مصر و اسرائیل از هم پیمانان نزدیک امریکا هستند، منابع دولتی این کشور عموماً توانایی های کشتار جمعی اسرائیل را نادیده می گیرند، و در موارد بسیاری به توانایی های مصر در این زمینه اشاره نمی کنند. برعکس با اهدای کمکهای نظامی و انتقال اسلحه و فن آوری نظامی به تالشهای این دو کشور در زمینه های نظامی دفاعی کمکهای شایانی نموده اند.^{۴۱} در مورد ایران و عراق (که هر دو هدف سیاست مهار دوجانبه امریکا واقع شده اند)، و یا لیبی، سوریه، سودان (که از مخالفان صلح اعراب و اسرائیل، و گسترش نفوذ امریکا در منطقه هستند) در رفتار و گفتار اکثر رهبران سیاسی امریکایی مشهود است که گرایش به سیاست یک بام و دو هوا در قبال متحدان اصلی و مخالفان سرسخت خود دارند. در سالهای اخیر، شاهد بزرگ نمایی خبرها و گزارشهای مدعی دستیابی این ۵ کشور خاورمیانه (به ویژه ایران و عراق) به توانایی های کشتار جمعی و سیستم های پرتاب موشک بلند برد بوده ایم. در مورد عراق، بسیاری از گزارشها و اقعیت پیدا کرده است. اگر چه زیر ساختارهای فیزیکی برنامه تسلیحات اتمی عراق در پی جنگ دوم خلیج فارس در سالهای ۹۱-۱۹۹۰ با اجرای قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل توسط آنسکام منهدم شدند، اما عراق هنوز دارای منابع انسانی، اجزاء، و داده های لازم برای از سرگیری این برنامه درآینده می باشد. نگرانی عمومی از این مسئله است که عراق دارای دانش لازم برای تولید یک بمب اتمی در کمتر از یک سال در صورت دسترسی به مواد اتمی موجود در بازار سیاه می باشد.^{۴۲}

در پاسخ به پرسشی در مورد سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی موجود در عراق، و این که در کجا مخفی شده است، مقامات وزارت دفاع امریکا بیان داشتند: ما می دانیم که رژیم عراق با موفقیت توانسته بخشی از سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی خود را از بازرسان سازمان ملل پنهان نگه دارد. اما نمی دانیم که دقیقاً در کجا آنها را مخفی کرده است. به گفته کارشناسان امریکایی، عراق به داشتن حدود ۹۰۰۰ لیتر انترکس اعتراف کرده، و گفته که همه این مواد را نابود کرده است. عراقیها همچنین به تولید چند هزار لیتر مواد کشنده دیگر مانند افلاتوکسین^{۴۳} هم اعتراف کرده، اما ادعا دارند که همه این مواد را منهدم ساخته اند. با توجه به این که انترکس به میزانی کوچکتر از ذره گرد و غباری که به چشم دیده نمی شود، مرگبار خواهد بود، یک کیلوگرم از این ماده می تواند میلیونها میلیون انسان را بکشد. با تنفس ذره ای از این ماده علائم ناخوشی مشابه سرماخوردگی ظاهر شده و در ظرف چند روز به مرگ حتمی منتهی خواهد شد. عراقی ها انترکس را در کلاهکهای موشکی خود به کار برده بودند، و آنها را در فضای آزاد آزمایش کرده بودند. آنان در حال پژوهش برای تغییر مخازنی در هواپیماها بودند تا از آنها برای پخش انترکس استفاده کنند. با سم پاش های موجود در کشاورزی هم می توان اقدام به کاربرد این ماده مهلک کرد.^{۴۴} نگرانی دولت واشنگتن باعث شده که برنامه واکسن انترکس پنتاگون برای مقابله با این تهدید آغاز شود، اما به دلیل احتمال بروز عوارض جانبی برای افراد واکسینه شده در صد قابل توجهی از خلبانان و پرسنل هوایی گارد ملی و ذخیره آمریکایی از خدمت کناره گیری کرده اند، ادامه این روند برای دولت امریکا نگران کننده خواهد بود.^{۴۵}

اسرائیل تنها کشور اتمی منطقه خاورمیانه، و دارای توانایی های تولید سایر سلاحهای کشتار جمعی می باشد.^{۴۶} در بسیاری از منابع تعداد سلاحهای اتمی اسرائیل بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ سلاح^{۴۷} گزارش شده، اما برخی دیگر زرادخانه هسته ای اسرائیل را مجهز به ۴۰۰ سلاح اتمی پرتاب شدنی می دانند.^{۴۸} توانایی کشتار جمعی اسرائیل کاملاً پیشرفته بوده، و شامل جنگ افزارهای اتمی، حرارتی-هسته ای برد بلند، موشکهای بالیستیکی با برد ۳۰۰۰ کیلومتر، سلاحهای هسته ای تاکتیکی و بمبهای اتمی کوچک می باشد.^{۴۹}

گزارشهایی درمورد پژوهشهای گسترده در مراکز پژوهش بیولوژیکی اسرائیل در نس زینونا^{۵۰} منتشر شده، اما آشکار نیست که اقدام به تولید و ذخیره تسلیحات بیولوژیکی کرده باشد.^{۵۱} پیشتر هم تاکید شد. که اسرائیل اکثر معاهده های بین المللی کنترل تسلیحات و خلع سلاح را امضاء نکرده، و جزو کشورهای عضو کنوانسیون سلاحهای شیمیایی نیز نمی باشد، این نکته حائز اهمیت است زیرا اسرائیل دارای تسلیحات شیمیایی است.^{۵۲}

لیبی در مرحله پژوهش سلاحهای اتمی^{۵۳} و توسعه تسلیحات بیولوژیکی تصور می شود. از جمله کشورهایی است که مبادرت به استقرار نیروهای نظامی به تسلیحات شیمیایی کرده است. در همان گزارش کارشناسی به کنگره امریکا که ادعای انتقال مواد اتمی به الجزایر را مطرح کرده بود، بیان شد که عراق مقادیری از مواد انبار شده برای برنامه تسلیحات کشتار جمعی خود را همراه با شماری از دانشمندان عراقی در دهه ۱۹۹۰ به لیبی انتقال داده است. بر مبنای این گزارش، عراق مقادیر محدودی سوخت هسته ای نیمه غنی شده را از راه دریا به عراق و لیبی فرستاد، و در پایان ۱۹۹۵ کارشناسان فنی عراقی غنی کردن مواد هسته ای عراقی را که با موفقیت در دستگاههای مخصوص در لیبی تعبیه کرده بودند، آغاز نمودند. این بخش از گزارش نیز که گفته می شد براساس اطلاعات گردآوری شده توسط منابع اطلاعاتی اروپایی تهیه شده، از سوی دولت امریکا رد شد.^{۵۴} احتمال می رود که لیبی توانایی تولید مقادیر کمی از مواد بیولوژیکی مانند انترکس و ماده سمی بوتولینوم تاکسین^{۵۵} را داشته باشد، اما هم اکنون برای تبدیل این مواد به سلاح یا استفاده نظامی از تسلیحات بیولوژیکی با محدودیت فنی روبرو است.^{۵۶} در ۱۹۹۸، گزارشی در تایمز لندن به چاپ رسید که پیش از حمله احتمالی امریکا به مراکز مشکوک به توسعه و پژوهش سلاحهای بیولوژیکی چند بیولوژیست عراقی از کشور خود به لیبی فرستاده شده بودند.^{۵۷} با توجه به این واقعیت که رژیم بغداد در زمان بمبارانهای هوایی کشورهای غربی در جنگ دوم خلیج فارس چندین فروند از هواپیماهای نظامی و مسافری خود را به ایران و اردن فرستاد، این گزارشها باور نکردنی به نظر نمی آیند.

در مطالعات مربوط به اتمی شدن منطقه از عربستان به عنوان کشور نگران کننده ای یاد نمی شود. لیکن، گزارشهای خبری حاکی از تلاش این کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس برای دستیابی به تسلیحات اتمی از عراق در ۱۹۹۴، و از پاکستان در ۱۹۹۸ منتشر شد. بسیاری از این گزارشها به استناد ادعاها و مدارک فراهم آورده شده توسط یک دیپلمات پیشین عربستان به نام محمد خیلوی^{۵۸} تهیه شده بود که از ایالات متحده درخواست پناهندگی کرده بود. خیلوی مدعی شد که عربستان با ۵ میلیارد دلار در دهه ۱۹۸۰ به برنامه هسته ای عراق به ازای دریافت یک سلاح اتمی کمک مالی کرده است، همچنین وی ادعا کرد که عربستان دارای دو راکتور اتمی پژوهشی مخفی می باشد. این ادعاها از سوی منبع دیگری تایید نشد، و مقامات امریکایی نیز گفته اند که مدرکی برای اثبات کمک عربستان به توسعه اتمی عراق در اختیار ندارند.^{۵۹} گزارش تایید نشده ای نیز در مورد انتقال کلاهکهای اتمی ساخت چین برای موشکهای سی.اس.اس-۲ خریداری شده از چینی ها در ۱۹۹۰ منتشر شده بود.^{۶۰} یکی از علل بدگمانی نسبت به خریدهای تسلیحاتی عربستان این بود که این موشکهای بالیستیکی میان برد مجهز به کلاهکهای متعارف برای استفاده مؤثر خیلی دقیق نیستند، بنابراین برخی از تحلیلگران مسائل نظامی تصور می کردند که عربستان در جستجوی کلاهکهای اتمی برای این موشکها برآید. به هر حال، عربستان سعودی به امریکا اطمینان داده که برای موشکهای خود کلاهکهای غیر متعارف خریداری نکند. تصمیم عربستان به الحاق به معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی نیز در جهت این اطمینان بخشی تلقی می شود.^{۶۱} در بهار ۱۹۸۹، جورج بوش تایید کرد که دولت واشنگتن به گزارش اطلاعاتی معتبری که نشان دهنده در اختیار داشتن سلاحهای کشتار جمعی توسط عربستان باشد، دست پیدا نکرده است، و عربستان متعهد شده که این موشکها مجهز به کلاهکهای اتمی یا شیمیایی نخواهند شد.^{۶۲} با وجود این، برخی از منابع اسرائیلی سوءظن هایی را نسبت به برنامه تسلیحات شیمیایی عربستان برانگیخته اند.^{۶۳}

در مورد سودان نیز اطلاعی وجود ندارد که نشانگر اتمی شدن این کشور در آینده نزدیک باشد. باز بر مبنای گزارشهای منابع اطلاعاتی اسرائیلی و اروپایی، ادعا شده که

در ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ عراق سلاحهای شیمیایی به سودان و یمن منتقل کرد، و در ۱۹۹۳ از طریق ایران این گونه سلاحها به سودان فرستاده شد.^{۶۴} مقامات کاخ سفید و برخی از دولتهای اروپایی برای اثبات این ادعاها مدرک معتبری در دست ندارند. منابع اصلی این ادعاها در مورد سلاحهای شیمیایی مقامات امنیتی اوگاندا و اعضای «ارتش مردمی آزادی بخش سودانی» می باشند. این گروه خواهان براندازی رژیم سودان بوده، و مقامات این کشور را به استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه مبارزین خود متهم ساخته است.^{۶۵}

سوریه به عنوان کشوری که دارای برنامه تولید سلاحهای اتمی باشد، معرفی نشده است، اما منابع بسیاری در مورد توانایی تولید مواد و جنگ افزارهای شیمیایی این کشور وجود دارند.^{۶۶} ترکیه نیز از لحاظ اتمی شدن و دارای توانایی تولید سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی بودن در فهرست کشورهای نگران کننده قرار ندارد.^{۶۷} در جنگ جهانی اول، ترکیه تنها کشور مجهز به تسلیحات شیمیایی بود که از آنها در صحنه های جنگ استفاده نکرد. گرچه گزارشهایی تایید نشده وجود دارند که ترکیه را به استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه مبارزان کرد جدایی طلب در ۱۹۸۸ متهم می کنند.^{۶۸}

ایالات متحده نیز در جدول ۳ قرار گرفته زیرا وزارت دفاع این کشور به طور دایم در خلیج فارس به استقرار نیروهای اتمی خود زیر نظارت فرماندهی مرکزی امریکا در سالهای اخیر ادامه داده است. در شرایط عادی، حضور نظامی امریکا در این آبراه استراتژیک شامل یک ناو هواپیمابر و یک گروه آماده خشکی - دریایی تفنگداران دریایی می شود. ناوگان پنجم امریکا که شامل ۲۰ کشتی، ۱۰۳ هواپیمای جنگی، و ۱۹۰۰۰ ملوان و تفنگدار می شود، در منامه در بحرین مستقر است. تعداد نظامیان امریکایی مستقر در کشورهای منطقه و یا در آبهای ساحلی آن بین ۱۹۰۰۰ و ۴۴۰۰۰ در نوسان بوده اند. حضور نظامیان امریکایی در اروپا و آسیای شرقی از حضور آنان در خاورمیانه کمتر بوده، ولی از ۱۹۷۹ که نیروهای شوروی به افغانستان حمله کردند روبه افزایش بوده است.^{۶۹} طبق گفته وزیر دفاع امریکا، ویلیام کوهن در سال گذشته ۲۴۴۰۰ نظامی امریکایی، ۳۰ کشتی و ۱۸۹ هواپیمای جنگنده در خلیج فارس برای جلوگیری از رفتار تهاجمی صدام حسین نسبت به

همسایگانش وجود داشت.^{۷۰} آمریکا تنها کشوری است که در حال حاضر سلاحهای اتمی خود را خارج از مرزهایش مستقر ساخته، و کشورهای غیر اتمی را مورد تهدید خود قرار داده است. دولت واشنگتن به برخی از کشورهای خاورمیانه ای (به ویژه عراق و لیبی) هشدار داده که اگر از تسلیحات شیمیایی یا بیولوژیکی علیه نیروهای نظامی امریکایی یا متحدین امریکا استفاده کنند، ممکن است مورد حمله اتمی نیروهای امریکا قرار گیرند.^{۷۱} برنامه تسلیحات بیولوژیکی امریکا در ۱۹۴۳ آغاز شد و ۲۶ سال بعد از آن متوقف گردید، و تمام مهمات و جنگ افزارهای بیولوژیکی امریکا منهدم شد.^{۷۲} در ۱۹۸۵، کنگره امریکا لایحه نابودی زرادخانه شیمیایی این کشور را به تصویب رساند. طبق کنوانسیون سلاحهای شیمیایی، تا سال ۲۰۰۷ تمام موجودی تسلیحات شیمیایی امریکا که شامل ۲۸۰۰۰ تن موادی مانند سارین و گاز خردلی می شود، باید از بین برده شود.^{۷۳} یمن نیز به نظر نمی آید که دارای برنامه نظامی اتمی، و یا راکتورهای پژوهشی یا تولید انرژی اتمی باشد. این کشور عربی در زمره دارندگان تواناییهای بیولوژیکی یا شیمیایی به شمار نمی آید.^{۷۴}

جنگ بر سر منابع آب

باور عمومی بر این است که در منطقه خاورمیانه در سالهای آینده شاهد جنگهایی بر سر منابع آب خواهیم بود. تا چه حد این فرضیه درست است؟ در مطالعه ای گسترده، ولف به این نتیجه می رسد که هرگز جنگی تنها بر سر منابع آب سرنگرفته است.^{۷۵} در مجموع پنج رویداد که در برخی از آنها حتی یک گلوله هم شلیک نشد، بر سر این مایه حیاتی در خاورمیانه به وقوع پیوسته است:

۱- بین سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۳، سوریه و اسرائیل بر سر برنامه اسرائیل توسعه حوزه آب هووله^{۷۶} به سوی یکدیگر تیراندازی کردند.

۲- در ۱۹۵۸، مصر به یک اقدام نظامی ناموفق در قلمروی ساحلی مورد اختلاف نیل دست زد. تنش بین سودان و مصر پس از روی کار آمدن رژیم طرفدار مصر و امضای قرارداد آب نیل کاهش یافت.

۳- بین سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴، درگیری‌های مرزی بین سومالی و اتیوپی بر سر قلمروی مورد اختلاف صحرای اوگادن که منابع آب (ونفت) مهمی را دربر می‌گرفت، روی داد. پیش از آتش بس چند صد نفر جان باختند.

۴- بین سالهای ۱۹۵ و ۱۹۶۶، اسرائیل و سوریه بر سر طرح «عربی» برای تغییر مسیر سرچشمه‌های رودخانه اردن که به منظور مقابله با طرح‌های توسعه ملی منابع آب اسرائیلی‌ها انجام می‌گرفت، به درگیری مسلحانه متوسل شدند.

۵- در ۱۹۷۵، عراق ادعا کرد که آب فرات به میزان کافی به آنها نمی‌رسد و دلیل این مشکل را هم سدسازی ترکیه در مبداء این رودخانه ذکر کرد. نتیجه این ادعاها اختلاف عراق و سوریه بود که با میانجیگری عربستان به پایان رسید.^{۷۷}

برخلاف سالهای پیش، به نظر می‌رسد که ادامه کم‌آبی و خشکسالی در منطقه به درگیری‌های جدی‌تر در مورد تخصیص منابع آب منتهی شود. در اواخر تابستان، ترکیه اعلام کرد که به دلیل خشکسالی شدید باید مقادیر آب داده شده به سوریه از رودخانه‌های مشترک آنها کاهش یابد. براساس یک موافقتنامه غیررسمی، سوریه قرار بوده که هر ثانیه ۵۰۰ متر مکعب آب از ترکیه دریافت کند، اما در مهر ۱۳۷۹ کمتر از یک سوم این سهمیه را دریافت نمود، و در ماه‌های آینده شاید این مقدار هم کمتر شود. سوریه همراه با عراق، ترکیه را به دلیل ساخت شبکه‌ای از سدها بر روی رودخانه‌های فرات و دجله مقصر دانسته، و ادعا کرده که منابع آب آنها مورد تهدید قرار گرفته است. ترکیه بر این باور است که در شرایط عادی میزان آب دریافتی عراق و سوریه بیش از حد لازم مصرف داخلی آنها بوده، و دلیل مشکل کم‌آبی آنها سوء مدیریت و اتلاف آب می‌باشد.^{۷۸}

کمیسر آب اسرائیل، مایر بن مایر اعتقاد دارد که اختلاف بر سر آب بین اسرائیل، فلسطین، اردن و سوریه در ظرف پنج سال آینده بسیار محتمل است. به گفته وی، منطقه خاورمیانه در دره اردن، حوزه نیل و سواحل دجله و فرات دچار مشکل کم‌آبی شده است. فلسطینی‌ها که غالباً آب مورد نیازشان را از چشمه‌های روستاهای خود می‌گیرند، حدود یک چهارم آب مصرفی همسایگان اسرائیلی خود را مصرف می‌کنند. به نظر نمی‌آید که

بدون اعمال زور در اسرائیل سرزمین‌های دارای دسترسی به رودخانه‌ها یا سفره‌های آب زیر زمینی را به فلسطینی‌ها بازگرداند. رهبران فلسطینی استدلال کرده‌اند که برای صلح پایدار، اسرائیل باید نظارت شدیدش را بر زمین و آب متوقف ساخته، و در مصرف آب صرفه جویی کند. اسرائیلی‌ها به جای کشت برنج، پنبه، مرکبات و سایر محصولات نیازمند به آبیاری بسیار باید به کشت محصولات پیردازند که برای مناطق بیابانی و کویری مناسب‌تر می‌باشند. کشاورزان اسرائیلی که اکثراً به دلیل خشکسالی امسال مجبور به ۴۰ درصد صرفه جویی در مصرف آب شدند، بر این باورند که برای خودکفایی باید کشاورزی را ترویج داده و مواد غذایی کشور خود را تولید کنند. در رام‌الله در کرانه باختری، ۲۱۰۰۰۰ فلسطینی در ۵۰ روستا و شهر کوچک با بدترین بحران کم‌آبی که در ۳۵ سال گذشته کم‌نظیر است، گریبانگیر بوده‌اند. براساس قرارداد اسلو، اسرائیل بر منابع آب مناطق فلسطین نشین هم نظارت دارد.^{۷۹} البته اسرائیل و فلسطین تنها نخواهند بود، تا سال ۲۰۲۵ حدود ۴۸ کشور با مشکل شدید کم‌آبی روبرو خواهند شد. در سال ۱۹۵۵، سه کشور کویت، اردن و بحرین دچار کم‌آبی بودند. در سال ۱۹۹۹، ۱۰ کشور دیگر منطقه از جمله الجزایر، مناطق اشغالی، قطر، عربستان، سومالی، تونس، امارات متحده عربی و یمن نیز به این فهرست کشورهای دچار کمبود آب در خاورمیانه و شمال آفریقا افزوده شدند. تا سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی شده که هفت کشور دیگر (مصر، اتیوپی، ایران، لیبی، مراکش، عمان و سوریه) نیز با مسئله کمبود آب روبرو خواهند بود. چهار کانون بحران آب در آینده خاورمیانه عبارتند از: ۱- ترکیه-سوریه-عراق، ۲- اردن-اسرائیل-فلسطین، ۳- مصر-سودان-اتیوپی، ۴- عربستان-قطر-بحرین.^{۸۰}

جالب این است که دو کشور ترکیه و اسرائیل که در حوزه‌های آبی خود مقصر جلوه داده شده‌اند، مذاکراتی برای انتقال آب شیرین از رودخانه‌هایی در ترکیه به اسرائیل را آغاز کرده‌اند. در واقع فلسطینی‌ها، اردنی‌ها و اسرائیلی‌ها در حال بررسی خرید آب از ترکیه هستند، و آنکارا باور دارد که می‌تواند حتی مشتریانی در شمال آفریقا (لیبی و مالتا) برای صادرات آب آشامیدنی خود پیدا کند. مقامات ترک ادعا می‌کنند که آب روز به روز به کالایی

استراتژیک در منطقه خشک خاورمیانه تبدیل می شود.^{۸۱} از سوی دیگر، اسرائیل با کاربرد زور در صدد مقابله با مشکل کمبود آب شدید خود بوده است. در ۱۹۲۳، مرزهای فلسطین مشخص شده، و مساحتی بالغ بر ۲۷۰۰۰ کیلومتر مربع را در بر می گرفتند. در ۱۹۴۸ که طرح تقسیم سازمان ملل برای تشکیل دو دولت عرب و یهودی در فلسطین مطرح شد، اعراب با این طرح مخالفت کردند، بر این اساس که یهودیان تنها ۷ درصد جمعیت را تشکیل داده، و حقی برای تشکیل دولت در فلسطین تاریخی ندارند. پس از جنگ ۱۹۴۸، اسرائیل کنترل بیش از ۷۸ درصد از سرزمین فلسطین را به دست گرفت. در ۱۹۶۷، اسرائیل نوار غزه (با مساحت ۳۶۵ کیلومتر مربع) و کرانه باختری رود اردن (با مساحت ۵۸۴۵ کیلومتر مربع) را به تصرف نظامی خود درآورد. فلسطینی ها تنها اجازه دارند که از ۱۵ درصد منابع آب خود بهره برداری کنند.^{۸۲} اسرائیل هم اکنون بر سیستم آبهای سطحی و زیرزمینی فلسطین تسلط دارد، و حدود ۶۷ درصد از آب مصرفی خود را در خارج از مرزهای ۱۹۴۸ به دست می آورد.^{۸۳}

در خاورمیانه، آب از راه دادوستد در دسترس کشورهای کمی بوده اند، قرار گرفته است. آب در نظام تجارت جهانی به «آب بالقوه»^{۸۴} معروف است، یعنی آبی که در تولید کالاهای مهم آب بر مانند گندم به کار می رود.^{۸۵} منابع آب خاورمیانه در دهه ۱۹۷۰ «تهی شد» یعنی آب کافی برای مصرف خانگی، کشاورزی (آبیاری برای تولید غذا)، نیازهای اقتصادی و شهری وجود نداشت. در اکثر موارد، سیاستمداران تنها بخشی از کل نیازهای آب کشور را در نظر می گیرند و استدلال می کنند که «آب آشامیدنی کافی» برابر میزان لازم برای حفظ مشاغل موجود در صنعت و کشاورزی و برای برآوردن نیازهای صنعتی و شهری است. برای اقتصاد اسرائیل، این میزان تنها ۲۵ درصد از آب مورد نیاز برای رسیدن به خود کفایی غذایی را تشکیل می دهد. با توجه به جمعیت بزرگتر برای مصر، چنین مفهوم خود کفایی حدود ۶۰ درصد از آب مورد نیاز برای خود کفایی غذایی را شامل می شود. برای سیاستگذاران در بیشتر کشورهای خاورمیانه، شکاف تولید غذای منتج شده از ناکافی بودن آب باید نادیده گرفته شود زیرا جلب توجه به کمبودهای شدید آب و

غذا از لحاظ سیاسی بی ثبات کننده خواهد بود. اهمیت مسئله آب در خاورمیانه از این جهت است که نخستین منطقه بزرگ جهان است که منابع آبش «تهی» شده است. نیازهای آب مردم شبه جزیره عربی و لیبی از ظرفیت منابع آب آنان برای رسیدن به خودکفایی غذایی در دهه ۱۹۵۰ پیشی گرفت. اسرائیل و فلسطین نیز در دهه ۱۹۵۰، اردن در ۱۹۶۰ و مصر در ۱۹۷۰ دچار بی آبی شدند.^{۸۶}

آینده جنگ در منطقه

بنا به برآوردهای اطلاعاتی نهادهای دولتی امریکا در مورد تهدیدهای آینده، جنگ منطقه ای یا محلی محدود ممکن است به وقوع بپیوندد اما جنگ منطقه ای گسترده و یا جنگ اتمی جهانی غیر متحمل است. جنگ شیمیایی و بیولوژیکی احتمالاً روی خواهد داد، اما در منطقه ای محدود و با کاربردی محدود شده. تروریسم یکی از مشکلات فراملی باقی خواهد ماند و اشکال جدیدی از جنگ رخ خواهد داد، از جمله:

- جنگ اطلاعاتی با حمله با سیستم های اطلاعاتی رقیب،
- جنگ سایبرنتیک^{۸۷} نوعی از جنگ اطلاعاتی شامل عملیات خرابکاری و انهدامی برای نابودی یا ایجاد اختلال در شبکه های رایانه ای،
- جنگ زیرساختاری فراملی با حمله به صنایع و خدمات عمده یک کشور مانند سیستم های مخابراتی، تأمین برق و انرژی، خدمات ترابری دولتی، خدمات اضطراری، مالی، تولیدی و غیره،

● جنگ نامتقارن^{۸۸} با حمله به نقاط ضعف یک رقیب یا دشمن با استفاده از ابزارهای نامتقارن مانند تروریسم،

- جنگ غیر معاصر^{۸۹} با حمله از پیش انتخاب شده یا به تأخیر افتاده علیه یک دشمن با استفاده از گذشت زمان برای ایجاد یک فرصت استراتژیک یا سوء استفاده از آسیب پذیری آینده. در روندهای جنگ آینده، امریکایی ها به تأثیر تکنولوژی (تکنو جنگ)^{۹۰} و جنگ های فضایی تاکید دارند.^{۹۱} در تحلیلهای امریکایی از روندهای جهانی تا

سال ۲۰۱۵ عوامل مهمی چون روند رشد جمعیت، مسئله آب، نابرابری های اقتصادی، و تروریسم مطرح شده اند. روند رشد جمعیت در جهان از ۶ میلیارد به ۷٫۲ میلیارد خواهد رسید، و ۹۵ درصد از این رشد در کشورهای در حال توسعه است. بخشی از این رشد جمعیت در خاورمیانه، و در شهرهای پرآشوب و پرسکنه روی خواهد داد. رشد جمعیت جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله فشارهای تحمل ناپذیری را بر سیستم آموزش و پرورش، زیرساختارها و بازار کار وارد می آورد. مسئله آب سالم برای خاورمیانه حیاتی می شود، و احتمال بروز جنگهای آب در آینده در اطراف دریاها و رودهای بزرگ وجود دارد. احتمال دارد. افزایش شکاف بین غنی و فقیر در کشورهای خاورمیانه ای که دارای رژیم های اقتدارگرا تر می باشند، باعث شورشهای گسترده شود.

نابرابری های درون جوامع تقریباً در همه کشورها افزایش پیدا می کند. افراد ثروتمند تحصیلکرده غنی تر شده و فقرا فقیرتر می شوند. طبقه متوسط نیز به سمت یکی از دو گروه فقیر یا غنی کشیده می شود. در تحلیلهای آینده نگرانه دولت امریکا بسیاری از پرسشهای مهم برای سیاستگذاران این کشور مربوط به خاورمیانه می شود. به طور مثال، آنان می پرسند که چه می شود اگر که:

- جنگ اتمی در آسیای جنوبی (بین پاکستان و هند) روی دهد؟

- ترکیه و یونان بر سر قبرس درگیر شوند؟

- ایران یا یک کشور عربی به بمب اتمی دست یابد؟

- شکست فرآیند صلح خاورمیانه به یک انتفاضه دیگر بیانجامد، و اردن و مصر با اسرائیل وارد جنگ گردند؟

- تروریست های خارجی در یک منطقه مسکونی بزرگ ذخایر آب و یا هوای آن را با مواد شیمیایی سمی آلوده کنند؟^{۹۲}

حداقل سه عامل دیگر بر مشکلات امنیتی خاورمیانه می افزاید، و در آینده می تواند به درگیری های مسلحانه گسترده هم کشیده شوند. این عوامل عبارت از مواد مخدر، پناهندگان و لاینحل ماندن جنگهای گذشته است. با توجه به این امر که برخی از کشورهای پیرامونی

منطقه خاورمیانه (به ویژه افغانستان و «مثلث طلایی» متشکل از لائوس، تایلند و برمه که بزرگترین تولیدکنندگان مواد مخدر به شمار می آیند) سهم بزرگی از فروش تریاک و تجارت پررونق قاچاق سایر مواد مخدر را دارا می باشند، احتمال بروز جنگها بر سر فعالیت باندهای غیرقانونی را نباید نادیده گرفت. مرزهای مشترک جمهوری اسلامی ایران با پاکستان و افغانستان به طول ۱۹۲۵ کیلومتر عمدتاً مناطق کوهستانی و صحرایی است، و کنترل این قلمرو با وجود به کارگیری صدها هزار نیرو و کار دشواری است.^{۹۳} مسئله قاچاق مواد مخدر از شرق کشور با مشکل پناهندگان افغانی گره خورده است. برنامه بازگشت داوطلبانه این پناهندگان از ایران با همکاری کمیسیونر عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در سال جاری آغاز شد. با وجود این شمار افغانه که در تهران و سایر مناطق کشور پناه جسته اند، از یک میلیون و نیم تجاوز می کند. درگیری های عراق و ترکیه با اقلیتهای کرد خود نیز گهگاهی بر تعداد پناهندگان کرد ایران افزوده است.^{۹۴} آوارگی پناهندگان فلسطینی در شرایطی که انتفاضه دوم در سرزمین های اشغالی شدت گرفته، بر جهانیان پوشیده نیست. این رویدادها به هم مرتبط هستند و تا زمانی که به مسایل مورد اختلاف گذشته پایان داده نشود، احتمال جنگها و اختلافهای پرهزینه در منطقه وجود خواهد داشت. عواملی که سبب وقوع بسیاری از جنگهای خاورمیانه ای بودند، هنوز باقی می باشند. به طور مثال، با وجود پایان یافتن جنگ ایران و عراق، و آتش بس بین طرفین درگیر، اختلافهای مربوط به پرداخت غرامت از سوی عراق، تعیین مرزهای دریایی دو کشور، وضعیت اروندرود، و انعقاد معاهده صلح هنوز حل و فصل نشده است.

مسئله فلسطین که باعث بروز جنگهای اعراب و اسرائیل شد، هنوز لاینحل است. ادعای ارضی عراق نسبت به کویت کماکان مطرح می شود. نه فقط علل بلکه آثار جنگهای گذشته هنوز در گوشه و کنار خاورمیانه مشاهده می شوند. حق زمانی که صدای شلیک گلوله ها و خمپاره ها خاموش شود، پیامدهای مرگبار جنگ تهدیدی به شمار می آیند. بنا به آمارهای موجود، ۳۰۰۰ مین با ۲۵ نوع مختلف آن در منطقه ای به وسعت حدود ۴۷۰ کیلومتر مربع در منطقه کردنشین عراق رها شده اند. فعالیت های بشر دوستانه سازمان ملل برای مین یابی و

مین‌روبی خاورمیانه در اکتبر ۱۹۹۷ آغاز شد و هنوز ادامه دارد.^{۹۵} در افغانستان درگیر در جنگی ۲۲ ساله میلیون‌ها مین زمینی وجود دارد که تا به حال به کشته شدن هزاران انسان منجر شده‌اند. گرچه سازمان ملل در تلاش بوده تا به این مشکل رسیدگی کند، اما به دلیل کارگذاری مین‌های جدید و نبود زیرساخت‌های ملی برای اجرای برنامه مین‌روبی، به موفقیت نرسیده است.^{۹۶}

نتیجه‌گیری

فرضیه‌ها و توضیحات بی‌شمار دیگری در مورد علل جنگ وجود دارد که هیچ‌یک از آنها در مورد همه جنگ‌ها و در تمام ادوار تاریخی صادق نیست. نظریه همه‌پسندی در مورد این پرسش که چرا جنگ رخ می‌دهد، وجود ندارد. جنگ به عنوان ابزار سیاست خارجی برای رسیدن به اهداف ملی از سوی دولت‌ها به کار گرفته شده است. جنگ‌ها عموماً چند ملیتی هستند و جستجو برای آن عاملی که به تنهایی سبب تمام جنگ‌های تاریخ بشری و یا حتی نیمی از آنها شده باشد، بیهوده است. در مورد خاورمیانه نیز به این نتیجه می‌رسیم که سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ‌های آینده به کار گرفته خواهند شد. ما شاهد کاربرد سلاح‌های شیمیایی رژیم عراق علیه اقلیت کرد، و سربازان ایرانی در جنگ ایران و عراق بوده‌ایم، و هر روزه نظاره گر افزایش توانایی‌های هسته‌ای اسرائیل و پاکستان هستیم. در دو جنگ اخیر خلیج فارس به نیاز برای دفاع در برابر دشمنی که با تسلیحات کشتار جمعی و سیستم‌های پرتاب موشک برد بلند مجهز می‌باشد، پی برده‌ایم. نکته مهم دیگر این است که قدرتهای بزرگ در منطقه توانسته‌اند حوزه نفوذی خود را افزایش دهند. مداخله قدرتهای بزرگ به ویژه آمریکا در جنگ ایران و عراق از علل طولانی شدن این درگیری معرفی شده است. در برخی موارد، مداخله خارجی رژیم بغداد را به ادامه تهاجم تشویق کرد. با سیاست‌های مداخله جویانه خود، قدرتهای بزرگ به نظامی‌گرایی عراق کمک کردند، و در پایان جنگ، صدام حسین بر اثر کمک‌های دریافتی خارجی به توانایی تولید سلاح‌های کشتار جمعی هم دست یافت. در ۱۹۸۸، آشکار بود که عراق به تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی و

موشکهای پیشرفته مشغول است، و حتی تلاشهایی برای تولید بمب اتمی انجام داده است. فن آوری، دانش فنی و مواد لازم برای برنامه های تولید تسلیحاتش را رژیم بغداد از اروپای غربی و آمریکا دریافت کرده بود. تصمیم برای صادرات کالاها و خدمات نظامی به عراق برای رسیدن به اهداف اقتصادی یا سیاسی گرفته شده بود. اگر عراق در جنگ با ایران به دلیل مداخله قدرتهای بزرگ تقویت نمی شد، هرگز به کویت در ۱۹۹۰ حمله نمی کرد.^{۹۷}

در جنگ اول خلیج فارس سالها طول کشید تا ارتش عراق تجربه جنگی لازم برای استفاده از تسلیحات پیشرفته اش را کسب کند. گرچه نیروهای عراقی بی کفایتی خود را بارها به نمایش گذاردند، اما حمایتهای لجستیکی و دیپلماتیکی آمریکا به عراق، وخستگی نیروهای ایران بر اثر جنگ فرسایشی به افزایش توانایی جنگی عراقی ها منتهی شد. در جنگ دوم خلیج فارس، ارتش عراقی به عنوان ارتشی مدرن از عملیات طوفان صحرا جان بدر برد تا اقتدار بغداد را در سراسر کشور از نو برقرار سازد. در ضمن، طوفان صحرا خلاء قدرتی در منطقه ایجاد کرد که مانند خلاء ایجاد شده در پی جنگ جهانی اول بود، اما این بار آمریکا به جای انگلستان این خلاء را پر کرد.^{۹۸} در جنگهای آینده خاورمیانه احتمال مداخله خارجی (به ویژه مداخله نیروهای آمریکایی) بسیار خواهد بود.

از علل دیگر جنگهای آینده در این منطقه به رشد تهدیدهای غیر متعارف مربوط به فعالیتهای گروهکهای تروریستی، قاچاقچیان مواد مخدر، سندیکاها، سازمان یافته، درگیری بر سر منابع آب، جریان غیر قابل کنترل سیل پناهندگان و مهاجران غیر قانونی، رشد فقر و عقب ماندگی اقتصادی در بسیاری از جوامع خاورمیانه ای، افزایش نابرابری های درآمد و ثروت بین غنی و فقیر در خاورمیانه و مقاومت برخی از دولتهای منطقه ای در برابر تقاضاهای مردمی برای مردم سالاری اشاره می شود.

نکته قابل تأمل این است که براساس مطالعه سیستماتیک جنگهای گذشته، می توانیم به علل جنگهای آینده پی ببریم. کشورهای خاورمیانه در موقعیتی قرار دارند که می توانند سیاستهای خارجی خود را در مورد هر گونه اقدام آینده برای جلوگیری از جنگهای بین-کشوری هماهنگ کنند. باید افق دید نسل جوان گسترده شود و توصیه های قدیمی

تشویق کننده نظامی گرایی و روحیه جنگ طلبی جای خود را به افکار سازنده نوین دهند. در گذشته حتی به صلح خواهان هم توصیه می شد که اگر علاقه به حفظ حاکمیت ملت خود دارند، و اگر می خواهند به منافع ملی آنان آسیبی وارد نشود به گفته های افرادی همچون فردریک کبیر (دیپلماسی بدون سلاح مانند موسیقی بدون ساز است)^{۹۹}، و فون کلازویتز (جنگ فقط دیپلماسی تا حدی شدت یافته است)^{۱۰۰} بیندیشند. کشورهای فرامنطقه ای علاقه مند به جلوگیری از تهاجم آشکار می توانند با تغییر سیاستهایشان یک تجاوزگر احتمالی را از آغاز یک جنگ باز دارند. کشورهای منطقه ای نیز می توانند با شفاف سازی اهداف خود، و با ایجاد یک نظام امنیتی منطقه ای استوار بر ارزشهای مشترک مردم خاورمیانه و افزایش همکاری منطقه ای برای حل مسائل مورد اختلاف جدیت بیشتری از خود نشان دهند. □

جدول یک
عوامل مهم شناسایی شده به عنوان جنگ بین المللی^۱

سطح/ نوع عوامل	مهمترین عوامل توضیح دهنده ^۲
طبیعی	● عوامل محیط زیستی : شرایط آب وهوایی، تغییر در فصول سال، شب و روز بودن
فردی/ویژگیهای شخصیتی و روانی	● خوی انسانی: جنگ طلبی، تجاوز کاری، خستگی از جنگ
ملی/ داخلی	● ویژگیهای ملی (مساحت جغرافیایی، ترکیب جمعیت، سطح توسعه) ● توزیع قدرت/ توانایی ها^۳ ● اختلاف داخلی (اوج گیری بحرانهای داخلی)^۴ ● مرگ یک حاکم/ وجود تهدید برای موقعیت یک رهبر ● نظریه سپربلا ● ایدئولوژی سیاسی و سایر ویژگی های یک رژیم (نوع رژیم) ● گرایش سیاست خارجی رژیم ● نوع نظام سیاسی (از دموکراتیک تا توتالیته) ● منافع اقتصادی (استعمارگرایی و امپریالیسم) ● ملاحظات امنیتی (دفاع در برابر تهاجم خارجی)
بین المللی/ جهانی	● ماهیت نظام بین المللی (مانند نظام توازن قوا، نظام فدرال جهانی، نظام فراملی)^۵ ● اتحادها (قطب بندی و استحکام اتحادها)^۶ ● دشمنی تاریخی و دیرینه با همسایگان ● مسابقه تسلیحاتی جهانی^۷ ● کمبود منابع جهانی ● ایدئولوژی غالب در جهان (مانند سرمایه داری، کمونیسم) ● بحران دیپلماتیک بین قدرتهای بزرگ ● نوع روابط تجاری جهانی

یادداشتهای جدول یک

- ۱- براساس نقد و بررسی مهمترین مطالعات تجربی/ کمی جنگ.
- ۲- عوامل توضیح دهنده یا متغیرهای مستقل یا عوامل پیش بینی کننده.
- ۳- یکی از داغترین بحث ها در مطالعات جنگ به رابطه بین توزیع قدرت و جنگ مربوط می شود. برخی از پژوهشگران استدلال کرده اند که توزیع برابر قدرت موجبات صلح را فراهم می آورد. برخی دیگر براین باورند که تقسیم قدرت به طور برابر در جهان نه تنها به صلح نمی انجامد، بلکه حتی بیشتر احتمال دارد که باعث جنگ گردد. ر. ش به:
Bleiney, op. cit.; Robert Gilpin. *War and Change in World Politics*. Cambridge: Cambridge University Press, 1981; and A. F. Organski and Jacek Kugler. *The War Ledger*. Chicago: Chicago University Press, 1980.
- ۴- کوئینسی رایت می نویسد که یکی از علل اصلی جنگهای بین المللی درگیری های داخلی است که رهبران یک کشور را متقاعد ساخته که در جنگی خارجی شرکت کنند تا توجه مردم را از مشکلات داخلی به امری دیگر مشغول کنند. مجموعه بزرگی از کتب و مقالات برای بررسی سیستماتیک تأثیر اختلافهای داخلی بر درگیریهای خارجی وجود دارد. فرضیه مطرح شده در غالب آنها این است که «هر چه سطح ناآرامی داخلی تجربه شده یک کشور بیشتر باشد، رفتار سیاست خارجی آن کشور بیشتر ماهیت تهاجمی به خود می گیرد.» به عبارتی دیگر، جنگهای داخلی و خارجی به هم مرتبط می باشند.
Quincy Wright, Op. Cit., pp. 828-829; N. R. Rihcardson and C. Kegley. "Cumulation and the Domestic-Foreign Conflict Hypothesis," *Journal of Politics* 43 (1981): 128-142; and Jack E. Vincent, "Internal and External Conflict: Some Previous Operational Problems and Some New Findings," *Journal of Politics* 43 (1981): 128-142.
- ۵- برخی از انواع نظامهای بین المللی جنگ برانگیزتر (Warprone) می باشند. طرفداران حکومت جهانی استدلال کرده اند که اگر هیچ کشور مستقل به جزایی وجود نداشته باشد و تنها یک دولت عالمگیر قدرت را به دست داشته باشد، جنگ روی نمی دهد. از آنجایی که دولتهای مستقل تابع هیچ مرکز قدرت واحد یا حقوق بین الملل اجرا شدنی یا موجودیت فراملی نمی باشند، هرگاه تضاد منافع ملی بین آنها به وجود آمده است به جنگ منتهی شده است.
- ۶- برای بحث رابطه میان بین اتحادها و جنگ، ر. ک به:
David Singer and Melvin Small. "Formal Alliances, 1815-1939: A Quantitative Description," *Journal of Peace Research* 1 (1966): 1-32; Melvin Small and J. David Singer. "Formal Alliances, 1816-1965: An Extension of the Basic Data," *Journal of Peace Research* 3 (1969): 257-282. Reprinted in J. David Singer and Paul Diehl, eds. *Measuring the Correlates of War*. Ann Arbor: University of Michigan Press, 1990, pp. 159-190; and Alan Sabrosky. "Alliance Aggregation, Capability Distribution and the Expansion of Interstate War," in Alan Sabrosky, ed. *Polarity and War: the Changing Structure of International Conflict*. Boulder, CO: Westview Press, 1988, 145-189.
- ۷- برای نمونه ای از مطالعات مربوط به پیامدهای مسابقات تسلیحاتی، بنگرید به:
J. David Singer. "The Outcome of Arms Races: A Policy Problem and a Research Approach," *Proceedings of IPRA Third General Conference*, Oslo, 1970, pp. 137-146. Reprinted in J. D. Singer, ed. *The Correlates of War: Research Origins and Rationale*. New York: Free Press, 1979, pp. 145-154; Paul Diehl. "Arms Races to War: Testing Some Empirical Linkages," *Sociological Quarterly* 26 (1985): 331-349; and Bruce Bueno de Mesquita and David Lalman. "Arms Races and the Opportunity for Peace," *Synthese* 76 (1988): 263-283.

جدول دو
گزیده‌ای از مهمترین فرضیه‌های آزمون شده در مطالعات جنگ^۱

الف) در محیط امنیتی داخلی	ب) در محیط امنیتی خارجی
● موقعیت جغرافیایی (دور افتادگی و در دسترس نبودن) یک کشور احتمال حمله به آن را کاهش می‌دهد. ● تعداد همسایگان (طول و نوع مرزهای) یک کشور بر احتمال وقوع جنگ تأثیر می‌گذارد. ● جمعیت بیش از حد یک کشور ممکن است جنگ را محتمل‌تر سازد. ● هرچه تفاوت‌های مذهبی و قومی در یک کشور بیشتر باشد، احتمال وقوع جنگ داخلی بیشتر خواهد بود. ● ثروت یک کشور بر احتمال درگیری آن در جنگهای خارجی تأثیر دارد. ● مرگ یک حاکم/رهبر وقوع جنگ را ممکن‌تر می‌کند. ● هنگامی که رهبران سیاسی مایل به منحرف‌سازی توجه مردم از مشکلات داخلی هستند، احتمال وقوع جنگ بیشتر می‌شود. ● ایدئولوژی سیاسی رژیم بر رفتار جنگ طلبی آن تأثیر دارد. ● رژیمهای نظامی بیش از سایر رژیمها احتمال دارد که به جنگ کشیده شوند. ● جنگ طلبی رژیم های دموکراتیک کمتر از رژیمهای توتالیت است.	● کشورهای درگیر شده در جنگهای اخیر طولانی کمتر احتمال دارد که در جنگی جدید شرکت کنند. ● جنگهای داخلی و خارجی به هم مرتبط هستند. ● در تلاش برای منابع طبیعی و بازار، استعمارگرایان بین المللی بیش از سایرین جنگ افروزی می‌کنند. ● ماهیت نظامهای بین المللی تعیین کننده میزان جنگ در نظام بین المللی است. ● شمار کشورهای مستقل بر تناوب و شدت جنگ در نظام بین المللی تأثیر دارد. ● توازن قوا بین ملت ها جنگ را محتمل تر می‌کند. ● ماهیت ساختار پیوندهای سیاسی بین دولتها بر وقوع جنگ اثر می‌گذارد. ● نابرابری در ساختار قدرت جهانی به افزایش تناوب جنگها می‌انجامد. ● کمبود منابع جهانی احتمال بروز جنگ بین المللی را بیشتر می‌کند. ● مسابقات تسلیحاتی براحتمال جنگ افروزی می‌افزاید. ● تقویت روابط دیپلماتیک احتمال درگیری های بین المللی را کاهش می‌دهد.

۱- براساس نقد و بررسی مطالعات جنگ

جدول سه
توانایی ها و سلاحهای کشتار جمعی در خاورمیانه^۱

کشور	سلاحهای اتمی	سلاحهای بیولوژیکی	سلاحهای شیمیایی	موارد کاربرد در جنگهای پیشین
الجزایر	پژوهش	پژوهش	توسعه؟	—
مصر	پژوهش	توسعه	ذخیره	سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای سلطنت طلب در جنگ داخلی یمن ۶۷-۱۹۶۳
ایران	توسعه؟	توسعه؟	استقرار؟	سلاحهای شیمیایی احتمالاً در جنگ ایران و عراق؟
عراق	تبدیل مواد به سلاح	ذخیره؟	ذخیره؟	سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای ایرانی و نیز شهرکهای کردنشین عراقی در جنگ ایران و عراق ۸۸-۱۹۸۳
اسرائیل	استقرار	توانایی تولید	توانایی تولید/ذخیره؟	—
لیبی	پژوهش	توسعه؟	استقرار	سلاحهای شیمیایی علیه سربازان چادی در ۱۹۸۷
عربستان سعودی	فقدان؟	فقدان؟	فقدان؟	—
سودان	فقدان؟	فقدان؟	فقدان؟	—
سوریه	پژوهش	توسعه؟	استقرار	—
ترکیه	پژوهش	فقدان	فقدان	—
امریکا	استقرار	متوقف شده	در حال انهدام	—
یمن	فقدان	فقدان	فقدان؟	—

یادداشتهای جدول ۳

۱- آمارهای به کار گرفته شده توسط مرکز مطالعات عدم گسترش درموسسه مطالعات بین المللی مونتری برای تهیه این جدول از منابع در دسترس عموم گرفته شده است، و در سایت <http://www.cns.miis.edu> وجود دارد. بنا به گفته پژوهشگران مرکز، برآورد دقیق توانایی کشورها در این زمینه به دلیل سری بودن اکثر برنامه های تسلیحات کشتار جمعی بسیار دشوار است؛ و صحت اطلاعات موجود را نمی توان با اطمینان کامل تأیید کرد. در این جدول واژه های زیر به شرح زیر به کار رفته اند:

- استقرار (Deployed)-تسلیحات اتمی، بیولوژیکی یا شیمیایی در نیروهای نظامی ترکیب شده و آماده برای استفاده در صحنه نبرد می باشند.
- ذخیره (Stockpiled)-مقدار معتنابهی از سلاحهای اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی تولید شده و در زرادخانه موجود می باشد، اما این سلاحها در نزدیکی واحدهای نظامی که در صورت وقوع جنگ باید از آنها استفاده کنند، قرار نگرفته اند.
- تبدیل مواد به سلاح (Weaponization)-در تلاش برای تبدیل به سلاح شدن و ادغام مواد منفجره اتمی یا مواد شیمیایی / بیولوژیکی در سیستم های پرتاب مانند کلاهکهای موشک، بمب های هوایی و غیره.
- توانایی تولید (Production Capability)-قادر به تولید مقادیر قابل توجهی از مواد اتمی، بیولوژیکی و شیمیایی، اما مشخص نشده که این کار انجام شده باشد.
- توسعه (Development)-مشغول به فعالیتهای آزمایشگاهی برای توسعه توانایی تولید مواد اتمی، بیولوژیکی یا شیمیایی.
- پژوهش (Research)-مشغول به پژوهشهای نظامی همراه با کاربرد صلح آمیز غیرنظامی، و با قابلیت افزایش توانایی فنی و زیرساختهای لازم برای توسعه و تولید سلاحهای کشتار جمعی.
- انهدام و پیاده کردن اجزای تشکیل دهنده سلاحها (Dismantling)-جابه جایی سلاحهای کشتار جمعی از مکان استقرار آنها به انبارها، و نابود کردن مواد و مهمات تشکیل دهنده آنها.
- متوقف شده (Terminated)-پایان دادن به برنامه تولید تسلیحات کشتار جمعی.
- فقدان-عدم وجود مدارک آشکار تأیید شده ای برای این توانایی.
- ؟-در جایی که گزارشهای ضد و نقیضی در مورد توانایی ای کشتار جمعی یک کشور در منابع چاپ شده وجود دارد، از علامت سؤال استفاده شده است.

پاورقی‌ها:

- 1- George Blainey. *The Causes of War*. New York: Free Press, 1973, p. 249.
- ۲- تعاریف متفاوتی از مفهوم جنگ وجود دارند. به طور مثال، کلازویتس جنگ را «عملی خشونت آمیز با هدف مجبور کردن مخالف خود به برآوردن خواسته هایمان» تعریف می کند. این تعریف کلازویتس که در کتاب مشهور وی که برای نخستین بار در ۱۸۳۲ به چاپ رسید، ارائه شد برای مقاله حاضر بسیار وسیع است. بنابراین به پیروی از کوئینسی رایت مفهوم جنگ در اینجا به معنایی زیر خواهد بود: «یک موقعیت حقوقی که به طور برابر به دو یا بیش از دو گروه دشمن اجازه می دهد تا با نیروهای مسلح به یک درگیری (مسلحانه) ادامه دهند.» اشاره ای به نیروهای مسلح در این تعریف مشاهده می شود که دلالت بر نوع بسیار خاصی از خشونت (فنون نظامی پیشرفته) و کاربرد عمدی آن برای رسیدن به یک هدف دارد. رش به: Carl V. Clausewitz. *War*. London: Penguin Books, 1982, p. 101; and Quincy Wright, *A Study of War*. Chicago: Chicago University Press, rev. ed., 1965, p. 8.
- ۳- مطالعه علل و پیامدهای جنگ از چنان اهمیتی برخوردار بوده که «جراحت ناشی از عملیات جنگی» در فهرست ۱۵۰ علت مرگ و میر در سالنامه آمار بهداشت جهانی قرار گرفته است. رک به: Francis A. Beer. "The Epidemiology of Peace and War," *International Studies Quarterly* 23 (1979): 45-96, p. 46.
4. Unit or Level of Analysis
- 5- dyad
- ۶- کنت والتزر در کتاب مهم خود «انسان، کشور و جنگ»، سه سطح تحلیل (طبیعت و رفتار انسان، ساختار داخلی ملت-کشورها، و ساختار نظام بین الملل) را شناسایی می کند. بنگرید به: Kenneth Waltz. *Man, the State and War*. New York: Columbia University Press, 1959; and also J. David Singer. "The Level of Analysis Problem," in James N. Rosenau, ed. *International Politics and Foreign Policy*, 1969.
- ۷- کهلر با بررسی مشارکت کانادا در چهار جنگ قرن بیستمی در آفریقای جنوبی (جنگ بوئر ۱۹۰۲-۱۸۹۹)، اروپا (جنگهای جهانی اول و دوم)، آسیا (جنگ کره)، نشان می دهد که کانادا در سه جنگ اولی به عنوان عضوی از امپراتوری یا اتحادیه کشورهای مشترک المنافع انگلستان (در ۱۸۹۹، ۱۹۱۴ و ۱۹۳۹) شرکت کرد، و در چهارمین جنگ در کره به عنوان عضوی از نظام امپراطوری امریکایی (بلوک غرب) دخالت داشت. اگر کانادا مجبور به نشان دادن وفاداری خود به رهبران امپریالیستی اش نبود، در این جنگهایی طرف باقی می ماند. رک به: Genot Kohler. "Imperialism as a Level of Analysis in Correlates of War Research," *Journal of Conflict Resolution* 9 (1975): 48-62.
- 8- Extra Systemic Wars
- 9 J. D. Singer and H. Small. *The Wages of War, 1816-1965: A Statistical Handbook*. New York: John Wiley and Sons, 1972.
- ۱۰- برای مرور و نقد پژوهشهای جنگ، رش به: Geoffrey Blainey. op. cit.
- ۱۱- آرنولد توین بین Arnold Toynbee مورخ انگلیسی که در اثر معروفش مطالعه تاریخ، که نگارش آن سالها به طول انجامید، تاریخ را به ۲۱ تمدن توسعه یافته و ۵ تمدن منجمد شده تقسیم کرد.
- ۱۲- ایالات متحده بیش از یک میلیارد پوند مواد و برکهای جنگی به عربستان سعودی و کویت در عملیاتی که به بزرگترین عملیات انتقال دریایی و هوایی پس از جنگ جهانی دوم معروف شد، منتقل کرد. صحنه عملیاتی خلیج فارس موقعیت مناسبی را برای پنتاگون فراهم آورده تا تسلیحات پیشرفته خود را در مانورها و عملیات واقعی آزمایش کند، رک به: *Newsweek*, September 3, 1990, pp. 18-19.
- ۱۳- بسیاری از فرضیه ها و استدلالهای موجود در مطالعات جنگ ریشه در دوائر برجسته و سؤال برانگیز زیر دارد:

Quincy Wright. *A Study of War*. Chicago: Chicago University Press, rev. ed., 1965, p. 169; Lewis Fry Richardson. *Arms and Insecurity*. Chicago: Quadrangle, 1960; and Lewis Fry Richardson. "Frequency of Occurrence of Wars and Other Total Quarrels," *Nature* 148 (1941): 37-59.

۱۴- رک به:

K. H. Holsti. *Peace and War: Armed Conflicts and International Order, 1948-1989*. Cambridge: Cambridge University Press, 1991, p. 307.

15 - Wolf-Dieter Eberwein. "The Structure of Power: Serious Disputes and the Power of Status of Nations, 1900- 1976," *International Interactions* 9, (1982): 57-74, p. 7.

۱۶- شاه حسین که از ۱۱ اوت ۱۹۵۲ در صدر قدرت یک رژیم و پسر سلطنتی قرار داشت در ۱۹۹۹ بر اثر بیماری سرطان در ۶۵ سالگی درگذشت و جای خود را به پسر سی و هفت ساله اش عبدالله داد. ملک حسن دوم شاه مراکش نیز در ژوئیه همان سال فوت کرد، پس سی و شش ساله اش محمد ششم جانشین وی شد. حافظ اسد سوریه نیز که مقدمان به قدرت رسیدنش در فوریه ۱۹۷۱ فراهم شده بود، در سن ۷۰ سالگی در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۰ درگذشت، و پسر سی و پنج ساله اش بشار زمام حکومت را به دست گرفت.

۱۷- مرسوم است که در نام جنگ ها از دو کشور اصلی درگیر در نبرد یاد می شود (مانند جنگ ایران و عراق، جنگ اعراب و اسرائیل)، اسامی جنگها برگرفته از نام منطقه جغرافیایی گستره صحنه عملیاتی و یا طول مدت جنگ هم بوده است (مانند جنگ دوم بالکان در ۱۹۱۳، جنگ جهانی اول، و جنگ شش روزه در ۱۹۶۷). در موارد نادری هم عامل سببی جنگ ها در نام آنها به کار برده شده است (مانند «جنگ فوتبال» در ۱۹۶۹ که بین ال سالوادور و هندوراس پس از بازی فوتبال بین تیم های ملی دو کشور آمریکای مرکزی روی داد، «جنگ ماهی دوم» در ۱۹۷۶-۱۹۷۵ بین انگلستان و ایسلند بر سر حق ماهیگیری در آبهای مجاور ایسلند، «جنگ تریاک» در سالهای ۴۲-۱۸۳۹ که بر اثر آن انگلستان توانست چین را به افزایش فرصتهای تجاری و تسلیم هنگ کنگ مجبور نماید.

18- War Initiation

۱۹- مطالعات تجربی نشان داده اند که رابطه مستقیمی بین میزان عملکرد دموکراتیک یک کشور و احتمال به جنگ کشیده شدنش وجود ندارد، اما کشورهای مردم سالار کمتر احتمال دارد که علیه یکدیگر جنگ کنند، رش به:

James Lee Ray. "Wars Between Democracies: Rare or Nonexistent?" *International Interactions* 18, 3 (1993): 251-276; Bruce Russett and William Antholis. "Do Democracies Fight Each Other?" *Journal of Peace Research* 29, 4 (1992): 415-434; Morgan T. Clifton and Valerie Schweback. "Take Two Democracies and Call me in the Morning: A Prescription for Peace?" *International Interactions* 17 (1992): 302-305; and Zeev Maoz and Nasrin Abdollahi. "Regime Types and International Conflict, 1816-1976," *Journal of Conflict Resolution* 33, 1 (1989): 3-35.

20- Melvin Small. *Was War Necessary? National Security and U.S. Entry into War*. California: Sage, 1980.

۲۱- در یک مطالعه کمی جنگهای قرن بیستم نتیجه گرفته می شود که «جنگ در رابطه با قدرت بین المللی بی تأثیر است»، یعنی این که جنگ از لحاظ کسب قدرت جهانی هیچ سودی ندارد. جنگ باعث افزایش یا کاهش قدرت نسبی شرکت کنندگان در سطح بین المللی نمی شود. رک به:

A. F. Organiski and Jacek Kugler. *The War Ledger*. Chicago: Chicago University Press, 1980, p. 145.

22 -The Biological and Toxin Weapons Convention

۲۳- بنابه آمارهای اف. بی. آی تنها در سال ۱۹۹۸ حدود ۲۲۰ مورد تهدید شیمیایی، بیولوژیکی و هسته ای شامل ۱۴۰ تهدید دروغی در برگیرنده ماده کشنده انتراکس Anthrax پیش آمد. بنابر این دولت فدرال در صدد برآمده تا

برای توسعه و تولید پادزهر و مواد ضد سم های مهلک و مواد بیولوژیکی مانند انتراکس و سایر باکتریها و ویروسها، و نیز سلاحهای شیمیایی مانند سارین که با فلج کردن سیستم اعصاب انسان به مرگ وی منتهی می شوند، برنامه های گسترده و پرهزینه ای را آغاز کند، رک به:

Sidney D. Drell and et al., ed. *The New Terror: Facing the Threat of Biological and Chemical Weapons*. Stanford, CA: Hoover Institute Press, 1999; Richard A. Falkenrath and et al. *America's Achilles' Heel: Nuclear, Biological and Chemical Terrorism and Covert Attack*. Cambridge, MA: MIT Press, 1998; Erhard Geisler, ed. *Biological and Toxin Weapons: Research and Development and Use from the Middle Ages to 1945*. Sipri Chemical and Biological Warfare Studies, No. 18, Oxford: Oxford University Press, October 1999; Gary E. McCuen, ed. *Biological Terrorism and Weapons of Mass Destruction*. Oxfordshire, UK: Gem Publishing, February 1999; Potomac Institute for Policy Studies, Counter-Biological Terrorism Panel. *Countering Biological Terrorism in the U.S.*, 1999; Laurence P. Pringle. *Chemical and Biological Warfare: the Cruellest Weapons*. Berkeley Heights, NJ: Enslow Publishers, 2000; Chitra Ragavan and David E. Kaplan. "The U.S. Government is Spending Billions Fighting an Elusive Enemy," *U.S. News* 18 October 1999; Jonathan B. Tucker, ed. *Toxic Terror: Assessing Terrorist Use of Chemical and Biological Weapons*, Cambridge, MA: MIT Press, 2000.

24- Ain-Oussera

25- Yossef Badansky. *Iraqi WMD Challenge: Myths or Reality*, Washington, DC: US House of Representative Task Force on Terrorism and Conventional Warfare, 2/10/98; Jim Wolf, "Iraq Hid Deadly Weapons Abroad- Congress Report, *Reuters*, 2/15/98, Jeanne Guilemain. *Anthrax: The Investigation of a Deadly Outbreak*. Los Angeles, CA: University of California Press, 1999; Tim Trevan. *Saddam's Secrets: The Hunt of Iraq's Hidden Weapons*. North Pomfret, VT: Trafalgar Square Publishing, 1999; Khidhir Hamza. *Saddam's Bombmaker: The Terrifying Inside Story of the Iraqi Nuclear and Biological Weapons Agenda*. New York: Scribner Publishing Co., 2000; W. Seth Carus. *The Poor Man's Atomic Bomb? Biological Weapons in the Middle East*. Washington, DC: Washington Institute for Near East Policy, October 1991; Richard Butler. *The Greatest Threat: Iraq, Weapons of Mass Destruction and the Growing Crisis in Global Security*. Public Affairs, 2000; cited in "Richard Butler on Iraq and Weapons of Mass Destruction," *Online Interview with the Council of Foreign Relations and the Washington Post*, 15 June 2000. Available at: http://www/foreignpolicy2000.org/transcripts/t_butler.html; Avigdor Haselkorn. *The Continuing Storm: Iraq, Poisonous Weapons and Deterrence*. New Haven and London: Yale University Press, 1999; and Michael J. Brenner. *The Iran-Iraq War: Speculations about a Nuclear Rerun*. Los Angeles, CA: University of California, 1996. 26- "White House Says No Sign Iraq Exported Arms," *Reuters*. 2/16/1998; "Authorities Claim US 'Disinformation Attempt' Over Iraq," *Sueddeutsche Zeitung* (Munich), 3/26/1999, in *FBIS-WEU-98-085*, 3/26/1998; *Agence France Presse*, 2/15/1998; "Ambassador Denies Report Iraqi Uranium Is Stockpiled In Algeria," in *Dialogue*, 2/15/1998, available at <http://dialog.carl.org>.

27- Al Tuiwaittha

- 28-"IAEA Inspections and Iraq's Nuclear Capabilities," *IAEA*, 4/1992, at: <http://www.iaea.or.at/worldatom/inforesource/other/iraq/iraqindex.html>; "Fifth report of the Executive Chairman of the Special Commission, established by the Secretary-General pursuant to paragraph 9 (b) (i) of Security Council resolution 687 (1991), on the activities of the Special Commission," *UNSCOM*, 5/21/1993, <http://www.un.org/Depts/unscom/s25977.htm>; "UNSCOM Activities," *SIPRI Yearbook 1994*. Oxford and New York: Oxford University Press for the SIPRI, 1994, pp. 755-56.
- 29- Ian O. Lesser and Ashley J. Tellis, *Strategic Exposure: Proliferation around the Mediterranean* [Study prepared for the United States Army], Santa Monica: RAND, 1996, p. 61.
- 30- Jonathan B. Tucker, "Motivations for Biological Weapons Proliferation: Examining Proliferators and Nonproliferators in North Africa and the Middle East," in R.A. Zilinskas, ed. *Biological Weapons and Defense*. Boulder, Colorado: Lynne Rienner, 1999, pp. 16-17; Dany Shoham, "Chemical and Biological Weapons in Egypt," *The Nonproliferation Review* 5(3): 7-9; JPRS-TND-93-007, *Russian Federation Foreign Intelligence Service Report: A New Challenge After the Cold War: Proliferation of Weapons of Mass Destruction*. (hereafter cited as Russian Federation) 3/5/1993, p. 24; Anthony H. Cordesman, *Weapons of Mass Destruction in the Middle East: National Efforts, War Fighting Capabilities, Weapons Lethality, Terrorism, and Arms Control Implications*. Washington, DC: Center for Strategic and International Studies, February 1998, p. 17; Barbara Starr, "Egypt and Syria Are BW Capable, Says Agency," *Jane's Defence Weekly* 8/21/1996, p. 15.
- 31- Tucker, op. cit., p. 16; Russian Federation, op. cit., p. 24; Shoham, op. cit., pp. 1-6; E.J. Hogendoorn, "A Chemical Weapons Atlas," *Bulletin of the Atomic Scientists* 9/10/1997, p. 37; "Arms Sanctions for Six African States," *Africa Confidential* 1/10/1992, p. 8; in *Proliferation Issues* 2/14/1992, p. 1; "Chemical Weapons in the Middle East," *Arms Control Today* 10/1992, pp. 44-45; Steve Rodan, "Bitter Choices: Israel's Chemical Dilemma," *Jerusalem Post* 8/18/1997, at <http://www.jpost.co.il>; Douglas Davis, "Egypt to Netanyahu: Don't Come Empty-Handed," *Jerusalem Post* 12/19/97, at <http://www.jpost.com/>; Dana Priest, "In U.S. Weapons Crusade, Allies Get Scant Mention." *Washington Post* 4/14/1998, p. 1.
- 32- Shoham, op. cit., p. 1-2; "Chemical Weapons in the Middle East," *Arms Control Today* (hereafter cited as ACT), May 1991, p. 27; Lesser and Tellis, op. cit., p. 62.
- 33- Steve Rodan, "Iran Has Up to 4 Nuclear Bombs," *Jerusalem Post* 4/9/1998; Steve Rodan, "MK Elul Says Israel, US Have Known of Iranian Nukes for Years," *Jerusalem Post* 4/12/1998, at <http://www.jpost.co.il>.
- 34- Tucker, op. cit., p. 19; E.J. Hogendoorn, "A Chemical Weapons Atlas," *Bulletin of the Atomic Scientists* 9-10/1997, p. 37; Gregory F. Giles, "Iranian Approaches To Chemical Warfare," Peter Lavoy, Scott Sagan, and James Wirtz, eds. *Thinking the Unthinkable*. Ithaca, NY: Cornell University Press, 1998, p. 7; Seth W. Carus, "Iran's Weapons of Mass Destruction: Implications and Responses," *Middle East Review of International Affairs* 1998, 2(1): 1-14; Stimson Center, *CWC Status: States of Chemical Weapons*

Proliferation Concern, 5/27/1998, <http://www.stimson.org/cwc/status.htm>.

35- Sipri. *Sipri Yearbook 2000*, Oxford: Oxford University Press/ for the SIPRI, 2000, p. 510.

37- Julian Perry Robinson and Jozef Goldblat, "Chemical Weapons in Iran-Iraq War," *SIPRI Factsheet- Chemical Weapons I*, May 1984.

38- Jose Bustani

39- Organization for the Prohibition of Chemical Weapons (OPCW). *Secretariat Brief*, No. 14, February 1999.

۴۰- بنگرید به: سعیده لطفیان. «سیاست روسیه در قبال رژیم عدم گسترش با تأکید بر همکاری هسته ای با ایران» مجله آسیای مرکزی قفقاز، شماره پاییز ۲۰۰۰، زیر چاپ.

41- Dana Priest, "In U.S. Weapons Crusade, Allies Get Scant Mention", *Washington Post*, 4/14/98, p. 1.

42- Barbara Crossette, "Clean Bill for Iraqis on A-Arms? Experts Upset." *New York Times* 4/19/1998, p. A13.

43- Aflatoxin

44- Office of the Assistant Secretary of Defense, Background Briefing, "Iraq's Chemical and Biological Weapons Capability,"

November 14, 1997. Available at: http://www.defenselink.mil/news/NOV1997/X11171997_x114iraq.html

45- Chuck Vinch. "Survey: Reservists Leaving Because of Vaccine Concern," *Star and Stripes*. Friday, Oct 13, 2000, at <http://www.pstrips.com/ed101300b.html>

۴۶- برای توضیحات بیشتر در مورد برنامه تسلیحات هسته ای اسرائیل، بنگرید به: سعیده لطفیان. «یک بام و دو هوا در زمینه گسترش جنگ افزارهای هسته ای»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی. سال ۱۱، شماره ۸-۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶، صص ۹۱-۷۴.

47- Amy Dockser Marcus, "Growing Dangers: U.S. Drive to Curb Doomsday Weapons In Mideast Is Faltering," *Wall Street Journal* 9/6/1996, p. A1.

48- Harold Hough, "Could Israel's Nuclear Assets Survive a First Strike?" *Jane's Intelligence Review* 9/1997, p. 410.

49- Kenneth S. Brower, "A Propensity for Conflict: Potential Scenarios and Outcomes of War in the Middle East," *Jane's Intelligence Review Special Report* 14, p. 15.

50- Ness Ziona

51- P.R. Kumaraswamy, "Marcus Klingberg and Israel's 'Biological Option,'" *Middle East International* 8/16/1996, pp. 21-22; Zafir Rinat, "Nerve Gas Antidote in Works," *Ha'aretz* 12/12/97, at <http://www3.haaretz.co.il/eng>; Edna Homa Hunt, "Israel's Biological and Chemical Research and Development- Potential Menace at Home and Abroad," *Washington Report on Middle East Affairs* 4/1998, pp. 84, 93; Liat Collins, "Bio Institute to Come Under Close Inspection," *Jerusalem Post*, 2/19/97, at <http://www.jpost.com>; P.R. Kumaraswamy, "Has Israel Kept its BW Options Open?" *Jane's Intelligence Review* 3/1998, p. 22.

52- Priest, op. cit., p. 1; Steve Rodan, "Bitter Choices: Israel's Chemical Dilemma," *Jerusalem Post* 8/18/97, <http://www.jpost.co.il>; David Makovsky, "Israel Must Ratify Chemical Treaty," *Ha'aretz*, 1/8/98, at <http://www3.haaretz.co.il/eng>.

- 53- Joshua Sinai, "Libya's Pursuit of Weapons of Mass Destruction," *The Nonproliferation Review* (Spring-Summer 1997): 97-98; Office of the Secretary of Defense, op. cit., pp. 34-35.
- 54- Yossef Bodansky, *The Iraqi WMD Challenge: Myths and Reality*. Washington, DC: US House of Representatives Task Force on Terrorism and Unconventional Warfare, 2/10/1998; Jim Wolf, "Iraq Hid Deadly Weapons Abroad- Congress Report." Reuters 2/15/1998.
- 55- Botulinum Toxin
- 56- Robert Waller, *Chemical and Biological Weapons and Deterrence Case Study 2: Libya*. Alexandria, Virginia: Chemical and Biological Arms Control Institute, 1998, pp. 6-7.
- 57- Michael Theodoulou, "Saddam Sends Scientists to Libya for Safety," *The Times* (London) 2/13/1998, p. 1; W. Andrew Terrill, "Libya and the Quest for Chemical Weapons," *Conflict Quarterly* 14, 1 (1994): 47-59; Thomas C. Wiecele, *The Clandestine Building of Libya's Chemical Weapons Factory*. Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois University Press, 1992; Office of Technology Assessment, US Congress, "How Libya's Secret CW Plant Was Detected," *Technologies Underlying Weapons of Mass Destruction*. Washington, DC: US Government Printing Office, 12/1993, pp. 42-44; Office of the Secretary of Defense, op. cit., pp. 35-36.
- 58- Mohammed Khilewi
- 59- Marie Colvin, "How an Insider Lifted the Veil on Saudi Plot for an 'Islamic Bomb,'" *Sunday Times* 7/24/1994; Steve Coll and John Mintz, "Saudi Aid to Iraqi A-Bomb Effort Alleged," *Washington Post* 7/25/1994; Paul Lewis, "Defector Says Saudis Sought Nuclear Arms," *New York Times* 8/7/1994; "Saudis Said To Have Aided Iraq's Nuclear Program," *Christian Science Monitor* 7/25/1994.
- 60- Jack Anderson and Dale Van Atta, "Do Saudis Have Nuclear Weapons?" *Washington Post* 12/12/1990, p. G15.
- 61- "Saudi Arabia Decided to Sign the NPT," *Nuclear News* 6/1988, p. 90; "White House Statement on Arms Sales to Saudi Arabia," at <http://csdl.tamu.edu/bushlibrary/papers/#search>.
- 62- Graham S. Pearson, "The Threat of Deliberate Disease in the Twenty First Century," *Biological Weapons Proliferation: Reasons for Concern, Courses of Action*. Washington, DC: Henry L. Stimson Center, 1/1998, Report No. 24, p. 26.
- 63- Shlomo Gazit and Zeev Eytan, eds. *The Middle East Military Balance 1993-1994*. Boulder: Westview Press, 1994, p. 419.
- 64- Yossef Bodansky, *The Iraqi WMD Challenge: Myths and Reality*. Washington, DC: US House of Representatives Task Force on Terrorism and Unconventional Warfare, 2/10/1998; Jim Wolf, "Iraq Hid Deadly Weapons Abroad--Congress Report." Reuters 2/15/1998.
- 65- Emmy Allio, "Sudan Has Poison Gas Plant Near Uganda," *Nando Times* 11/21/1997, at <http://www.africanews.org>.
- 66- Ahmed S. Hashim, *Chemical and Biological Weapons and Deterrence Case Study 1: Syria*. The Deterrence Series, Chemical and Biological Arms Control Institute, 1998, p. 10; Uzi Mahnaimi, "Syria Builds Nerve Gas Arsenal," *Sunday Times* 11/17/1996, at

- <http://personal.the-times.co.uk:80>; Paul Beaver, "Syria To Make Chemical Bomblets For 'Scud Cs," *Jane's Defence Weekly* 9/3/1997, p. 3
- 67- Mustafa Kibaroglu, "Turkey's Quest for Peaceful Nuclear Power," *The Nonproliferation Review*, Spring-Summer (1997): 33-44.
- 68- Julian Perry Robinson, "Chemical-Weapons Proliferation in the Middle East," Efraim Karsh, Martin S. Navias, and Philip Sabin, eds. *Non-Conventional-Weapons Proliferation in the Middle East*. Oxford: Clarendon Press, 1993, pp. 90, 76.
- 69- Robert S. Greenberger and Thomas E. Ricks, "Clinton and Pentagon Plan Less Obsessive Stance Toward Iraq, with Big Troop and Ship Pullback," *Wall Street Journal* 5/13/1997, p. 24; Kenneth H. Bacon, *DoD News Briefing*, 4/16/1998, Office of the Assistant Secretary of Defense, at <http://www.fas.org/news/iraq/1998/04>; Dana Priest, "Military Reduces Presence in Gulf," *Washington Post* 5/27/1998, p. 1; US Navy, *United States Naval Forces in 5th Fleet - The Arabian Gulf*, 2/25/1998, at: <http://www.chinfo.navy.mil/navpalib/news/in-gulf2.html>.
- 70- Linda D. Kozaryn. "Cohen Offers to Share Intel with Gulf Leaders," *American Forces Press Service*, 15 march 1999. http://www.defenselink.mil/news/Mar1999/n03151999_3153.html
- 71- William Arkin, "Calculated Ambiguity: Nuclear Weapons and the Gulf War," *Washington Quarterly* (Autumn 1996): 3-18; Greg Mello, "New Bomb, No Mission," *Bulletin of the Atomic Scientists* 5-6/1997, pp. 28-32; James P. Rubin, *Excerpt of U.S. Department of State Press Briefing Iraq Crisis and U.S. Nuclear Weapons Policy*, 2/5/1998, Coalition to Reduce Nuclear Dangers, at <http://www.clark.net/pub/clw/coalition/rubin205.htm>; Stephen I. Schwartz, "Miscalculated Ambiguity: U.S. Policy on the Use and Threat of Use of Nuclear Weapons," *Disarmament Diplomacy* 3/98, at: <http://www.brook.edu/FP/PROJECTS/NUCW/COST/THREATS.HTM>.
- 72- William C. Patrick III, "A History of Biological and Toxin Warfare," Kathleen C. Bailey, ed. *Director's Series on Proliferation*, Livermore, California: Lawrence Livermore National Laboratory, 1994, pp. 13-20.
- 73- Office of the Secretary of Defense. "U.S. Chemical Weapons Stockpile Information Declassified," *News Release*, 1/22/96.
- 74- Nuclear Engineering International. *1998 World Nuclear Industry Handbook*. Essex, UK: Wilmington Publishing, 1998, p. 118. Cited by Michael Berletta and Erik Jorgenson, May 1998, Available at <http://www.cns.miis.edu>
- 75- Wolf, 1998, p. 255.
- 76- Huhleh Basin
- 77- P. Ashton, "Southern African Water Conflicts: Are They Inevitable or Are They Preventable? In H. Solomon and A. R. Turton, eds. *Water Wars: An Enduring Myth or an Impending Reality?* Durban: Accord Publishers, 2000. Cited in Anthony Turnton, "Water Wars," a paper presented at the 50th Pugwash Conference, Cambridge, August 2000; John Billoch and Adel Darwish, *Water Wars: Coming Conflicts in the Middle East*. London: Gollancz, 1997.

- 78- Chris Morris, "Row Looms Over Mid-East Water," *BBC News*. Tuesday 26 September, 2000. Available at: http://news.bbc.co.uk/hi/english/world/europe/newsid_943000/943002.stm; "Turkish Dam Controversy," *BBC News*. Saturday 22 January 2000. Available at http://news.bbc.co.uk/hi/english/world/europe/newsid_614000/614235.stm; Miriam L. Lowi, *Water and Power: The Politics of a Scarce Resource in the Jordan River Basin*. London: Cambridge University Press, 1993; and Adam M. Garfinkle, "War, Water and Negotiation in the Middle East: the Case of the Palestine- Syria Border", 1916-1923. Occasional Papers 115. Tel Aviv University: the Moshe Dayan Center for the Middle Eastern and African Studies, 1994; cited in "Negotiating Water: Israel and the Palestinians," Available at <http://www.ipsjps.org/html/endnote2.htm>; Aaron T. Wolf, *Hydropolitics Along the Jordan River: The Impact of Scarce Water Resource on the Arab-Israeli Conflict*. New York: UN University, 1995; Aaron Wolf, and et al. *Core and Periphery: A Comprehensive Approach to Middle Eastern Water*. Oxford: Oxford University Press, 1997; and Thomas Naff and R. C. Matson, *Water in the Middle East: Conflict or Cooperation*. Boulder, CO: Westview Press, 1984.
- 79- Paul Welsh, op., Cit.
- ۸۰- ایلان بیرمن و پل ویبی. «بحران آینده: منابع آب در خاورمیانه» استراتژیک ریویو، تابستان ۱۹۹۹، به نقل از «خاورمیانه، این بار آتش زیر آب است: سیاستهای آبی جدید یا جنگهای جدید؟» «نداء القدس». سال سوم، شماره ۵۱، ۱۳۷۹، صص ۱۵-۱۲.
- 81- "Israel and Turkey Discuss Water Deal," *BBC News*. Wednesday 21 June 2000; and "Israel Water 'Crisis' Looms," *BBC News*. Monday, 19 June 2000. Available at: http://news.bbc.co.uk/hi/english/world/monitoring/media_reports/newsid_797000/797965.stm
- 82- Jad Isaac, "Resource Scarcity and Sustainability of Peace in Israel and Palestine," a paper presented at the 50th Pugwash Conference, Cambridge, August 2000; 79- Paul Welsh. "Water Conflict in Middle East," *BBC News*. Friday 2 June 2000. Available at http://news.bbc.co.uk/hi/english/world/middle_east/newsid_764000/764142.stm
- ۸۳- حجت‌ا. فغانی، ابعاد سیاسی-امنیتی بحران آب در خاورمیانه عربی و آینده مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۳۷۸، ص ۱۷۸.
- 84- virtual water
- 85- Tony Allan. "Water, 'Virtual Water' and the Economies of the Middle East and North Africa," in *The Middle East and North Africa, 2000*. London: Europa, 1999, pp. 182- 186.
- 86- Ibid, p. 183.
- 87- Cybernetic warfare
- 88- Asymmetric warfare
- 89- Asynchronous warfare
- 90- Technowar
- 91- Patrick H. Hughs, director of Defense Intelligence Agency, "Global Threats and Challenges: The Decade Ahead," Statement for the Senate Select Committee on Intelligence, 28. January 1998. Available at: <http://www.defenselink.mil/dodgc/irs/docs/test98-1-28Hughes.rtf>; and Lt. Gen.

Patrick M. Hughes, "A DIA Global Security Assessment," Prepared remarks to the senate Armed Services Committee, Feb. 6, 1997, Defense Viewpoints, v. 12, N. 17, May 1998, Available at: <http://www.defenselink.mil/speeches/1997/di1217.html>

92- John C. Gannon. Chairman, National Intelligence Council, "The CIA in the New World Order: Intelligence Challenges through 2015," Remarks to the Smithsonian Associates, CIA Speeches and

Testimony, 1, February 2000, available at: http://www.cia.gov/cia/public_affairs/speeches/dci_speeches_0200smithson.html

۹۳- در برخی از جنگها، دولتها از تجارت مواد مخدر برای پیشبرد اهداف جنگی خود استفاده کرده اند. سازمان سیا در جنگ ویتنام در تجارت تریاک آسیای جنوب شرقی فعال بود، و در جنگهای امریکای مرکزی (به طور مثال برای کمک به شورشیان کانترادرنیکاراگوئه) در تجارت غیرقانونی مواد مخدر دخالت داشته است، رک به:

Alfred W. McCoy. *The Politics of Heroin: CIA Complicity in the Global Drug Trade*. Lawrence Hill & Co.: July 1991; Alexander Cockburn and et al. *Whiteout: The CIA, Drugs and the Press*. New York: Verso Books, 1999; and Peter Dale Scot and Jonathan Marshall, *Cocaine Politics: Drugs, America and the CIA in Central America*. Los Angeles, CA: University of California Press, 1998.

۹۴- برای درک وضعیت کردها در خاورمیانه، تاریخ اختلاف بین رهبران و سیاستهای مداخله جویانه قدرتهای بزرگ، و کاربرد سلاحهای شیمیایی علیه آنها توسط عراق، رک به:

James Ciment, *The Kurds: State and Minority in Turkey, Iraq and Iran*. New York: Facts on File, 1996; and Physicians for Human Rights, *Winds of Death: Iraq's Use of Poison Gas Against its Kurdish Population*. Boston, Massachusetts: Physicians for Human Rights, 2/1989, pp. 1-2.

95- "Iraq: UN Mine Clearance Projects in Kurdish Region Viewed," *Ibril Khabat*, Internet version, in Arabic, 18 February 2000.

96- Shalini Chawl, "Diffusion of Landmines in Afghanistan," <http://www.idsa-ind.org/an-june-400.html>

97- Adam Tarock *The Superpowers' Involvement in the Iran-Iraq War*. New York; Nova Science Publishers, 1998.

98- Stephen C. Pelletiere. *The Iran-Iraq War*. Westport, CT: Praeger, 1992.

99- Bueno de Mesquita, *The War Trap*. New Haven and London: Yale University Press, 1981, p. 18.

100- Ibid.